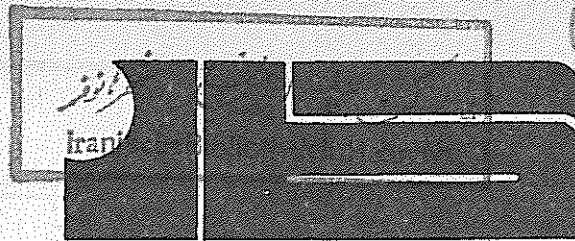


نابود باد امپریالیسم جهانی
سرکردگی امپریالیسم آمریکا
وپایگاه داخلش

کارگران و زحمتکشانشان
متحد شوید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم شماره ۱۴۴

چهارشنبه ۳۰ دیماه ۱۳۶۰

صفحه ۲۰

«هفته وحدت»

تلاشی مذبوحانه، شکستی مفتضحانه

«هفته» وحدت» غیرمقبول و کورناهای فراوانی که رژیم بکارگرفت از سنسوی مردم با سکوت کامل مواجه گشت و با شکستی مفتضحانه پایان رسید. میتوان علل برگزاری اهدا فرژیم از اسلام «هفته» وحدت» و همچنین نتایج آنرا از

دوجنبه سیاست داخلی و خارجی مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. -۱- زمینه های خارجی برگزاری «هفته وحدت»: انزوای سیاسی رژیم در سطح جهان که بخصوص با موج دستگیریها و بقیه در صفحه ۸

بر مقاله

پیرامون شعار:

«سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق»

پس از برگزاری نخستین کنگره -

سا زمان و مصوبات کنگره پیرامون مرحله انقلاب، روش سیاسی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک توده های ایران و بویژه - ارزیابی وضعیت کنونی و وظائف ما - شعار سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق، بعنوان یکی از شعارهای اصلی مادر - تشریح کار مطرح شد. ضروری بود که در اولین فرصت مقاله ای پیرامون این شعار نوشته شود که در آن ضرورت طرح این شعار و نیز معنا و مضمون جمهوری دمکراتیک توضیح داده شود. از این رو در این شماره کار، این مسئله را مورد بررسی قرار -

میدهیم. در تاریخ ۲ تیرماه مقاله ای تحت عنوان «حول شعار «مرکز حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراها» انقلابی» پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان بقیه در صفحه ۲

سرانجام خمینی به جنایات خود و در خمیانش اعتراف کرد

خمینی که تا جندی پیش همواره گشتار انقلابیون در ایران را وقیحانه تکذیب میکرد و ادعا میزد که حاکم و نوجوانان کم سن و سال را شیعه «فدا انقلاب» میخواند و با وفا حتی وصف نابذیر، رژیم و کلیه

جلادانش را میرا از هرگونه جنایتی مدانست. بالاخره پس از ۶ ماه خونریزی و پس از آنکه بیش از ۴۰ هزار تن از بهترین فرزندان خلق پس از شکنجه های وحشانه بطور دسته - بقیه در صفحه ۱۵

نامه گروهی از خانواده های زندانیان سیاسی تبریز خطاب به خلقهای قهرمان ایران

رونوشت به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
خلق مبارز ایران!
ما هم چون سایر هموطنان مبارز پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه خائسین برای فکری بودیم که دیگر بساط ظلم و شکنجه، زندان و اعدام که مختص رژیمهای و بسته سنگریندا زموطن ما برجسته شده خواهد شد. متاسفانه دیری نپا شد که تمامی

رونوشت به سازمان مجاهدین خلق ایران
امید خلقهای زحمتکش ایران به پاس - مبدل گشت. این بار خون آشامان جمهوری اسلامی بنا م «اسلام» دست به جنایتی بس هولنا کتارا ز رژیم خائسین گذشته زدند. بی شرمانه این خوش خدمتی با میریالیسم را جزء اعمال فدا میریالیستی خود قلمداد مینمایند. بقیه در صفحه ۱۹

اطلا عیه امور مالی سازمان

صفحه ۱۴

اقدامات جدید وزارت کار

گامی در جهت نابودی کامل شوراها و ضرورت مقابله با آن

در تاریخ چهارم دیماه احمدتوکلی از طرف وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی اعلام نمود که «تشکیل شوراها ی اسلامی کارکنان در واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی،

خدماتی تا اطلاع ثانوی متوقف شد» روابط عمومی وزارت کار و امور اجتماعی در این رابطه اعلام کرد: «نظر به اینکه مطابق

در این شماره:

● جنبش جهانی

● جنبش کارگری

● اخبار شهرستانها مدارس

● اخبار روستائی

اعدا جنایتکارانه شکرا اله پاکیزاد

در صفحه ۱۳

بیست و سومین سالگرد انقلاب کوبا گرامی باد (۲)

در صفحه ۵

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

پیرامون شعار

نقشه از صفحه ۱

متحد شویم "در نشریه کار منتشر شد. از آن پس این شعار بعنوان یک شعار تبلیغی سازمان درآمد. ما در آن مقاله با توجه به شرایطی که در آنجا وجود داشت، ما پیش آمده بود نوشتیم: "اکنون شرایط نوین، شعارهای نوین، تاکتیکهای نوین و وظایف نوین را می طلبد. شرایطی فراهم شده است که ما میتوانیم و باید بطرح شعارهای بیبرداریم که مستقیماً حاکمیت را زیر علامت سؤال قرار دهد. اما این شعارها باید گونه‌ای انتخاب گردد که منطبق با مرحله کنونی جنبش توده‌ها، موقعیت هیئت حاکمه، ذهنیت توده‌ها، صف بندی و توازن نیروهای طبقاتی باشد. بنا بر این هنوز نمیتوان مستقیماً "از توده‌ها سرنگونی فیهراً میزحاکمیت را طلب کرد. بلکه باید از ضعیف ترین و آسیب پذیر ترین حلقه آن آغاز نمود. این ضعیف ترین حلقه... حزب جمهوری اسلامی است" ما همچنین در آن مقاله دلایل خود را مبنی بر اینکه چرا این شعار در همان حال بمعنای نفی کل حاکمیت نیز می باشد، مطرح کردیم و به منظور رفع کردن افاشای لیبرالها که در جهت فریب توده‌ها و انحراف مبارزه آنها بطرح شعار رفراندوم برداشتنه بودند، شعار مجلس مؤسسان را مطرح کردیم و نوشتیم "با طرح این شعار عملاً موجودیت رژیم را بر علامت سؤال می بریم، در حالیکه هنوز تا مرحله تکاملی جنبش توده‌ها - ای شعار سرنگونی فیهراً میزحاکمیت را طرح نکرده ایم. ما با اتخاذ این تاکتیک همچنین قادر خواهیم بود، عملاً "لیبرالها را خلع سلاح کنیم" و تشکیل شوراهای تسلیح توده‌ای را نیز تضمین مجلس مؤسسان قلمداد کردیم.

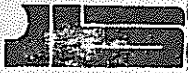
این شعار بعنوان یک شعار تبلیغی - تاکتیکی، بعنوان یک شعار مسلح - کننده، در آن مرحله از تکامل عینی و ذهنی جنبش شعاری گام "متناسب و" موقع بود که از ارزیابی واقعیتی وضعیت عینی موجود ناشی می شود یک گام توده‌ها را به جلوسوی میداد. اما امروز دیگر بی از گذشت بیش از ۶ ماه از طرح این شعار و تغییراتی که طی این مدت صورت گرفته است، شعاری گهنگنه شده است. طی این مدت بسیاری چیزها تغییر کرده است درگیری میان لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در حاکمیت که بنیادین خود رسیده بود، با گرد قطنی لیبرالها از حاکمیت، وارد مرحله تازه‌ای شده است. توهمات توده‌ها نسبت به بنی صدر فرو - ریخته است و کذب تمام ادعاها و شعارهای دروغین او عیان شده است. توده‌های هوادار مجاهدین خلق تا حدی عواقب و نتایج اتحاد مجاهدین و لیبرالها را در تجربه درک کرده اند. حزب جمهوری اسلامی تمام قدرت را قبضه کرده است. بنیادهای ارتجاعی رژیم، سرکوب عیان گسیخته و خاتم روز افزون شرایط زندگی توده‌ها... همه توهمات و پنداره‌های توده‌ها را نسبت به حکومت درهم کوفته است. نفرت عمومی از رژیم حاکم به نهایت خود رسیده است. در چنین شرایطی با توجه به چشم انداز تحول اوضاع که در اوضاع و وضعیت

اقتصادی جامعه، تشدید بحران سیاسی، احیاء مجدد جنبش توده‌ای و احتمال وقوع یک قیام مجدد خلاصه میشود ضرورت طرح شعارهای انقلابی بیلاوا است که نه زبانه‌ها بلکه مستقیماً "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را طرح کند، ضروری مینماید. البته از مدتی پیش ضرورت طرح مستقیم شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بجای حزب جمهوری اسلامی مطرح بود و ما در اعلامیه‌ها و تراکت‌های خود بطرح شعار مرگ رژیم جمهوری اسلامی پرداختیم. اما تغییر شعار "مرگ بر حزب جمهوری" به "مرگ علی‌رغم اینکه دیگر یک شعار گهنگنه شده بود، تا برگزاری کنگره به تعویق افتاد. زیرا حتی تغییر جزء اول این شعار یعنی قرار دادن رژیم جمهوری اسلامی بجای حزب جمهوری اسلامی کافی نبود، می‌بایستی نفی مستقیم جمهوری اسلامی همراه با آلترناتیو ما یعنی جمهوری دمکراتیک خلق باشد. معیار رتی می‌بایستی همراه با طرح شعار سرنگونی جمهوری اسلامی، برقراری جمهوری دمکراتیک خلق بعنوان یک شعار تبلیغی در دستور کار قرار می‌گرفت. اما طرح این شعار پیش از برگزاری کنگره و تعیین مرحله انقلاب، روش سیاسی پرولتاریا در انقلاب و نیز ارزیابی وضعیت کنونی، میتوانست اینها مآت و اشکالات متعددی را پدید آورد. از جمله این مسئله که جمهوری دمکراتیک خلق یعنی چه؟ زیرا در سطح جنبش تیک بیک برداشتهای مختلفی در مورد آن وجود دارد. بنا بر این به دلایل ذکر شده تغییر شعار تا برگزاری کنگره به تعویق افتاد. اکنون از یک سو با مضمون "کنگره معنا" مضمون جمهوری دمکراتیک خلق روشن است و از سوی دیگر مضمون "کنگره پیرامون ارزیابی وضعیت کنونی، وظایف و تاکتیکهای ما" این امر را در دستور کار قرار داده است که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را طرح و در برابر آن شعار جمهوری - دمکراتیک خلق را مطرح کنیم. البته با بد نظر داشت که جایگزین شدن این شعار بجای شعار "مرگ بر حزب جمهوری" به معنای نفی شعار مجلس مؤسسان و شوراهای نیست. مجلس مؤسسان نمیتواند در جای خود همچنان یکی از شعارهای ما باشد. دلایل این امر نیز تاکنون مکتور توضیح داده شده است. مجلس مؤسسان گرچه یک نهاد دیورژواکیست و دیگر از نظر تاریخی گهنگنه شده است، اما در شرایط مشخص جامعه ما با توجه به میزان اشکال و آگاهانی توده‌ها بطور عمده طبقه کارگر بطور خاص میتوانند با پشتوانه تسلیح توده‌ای و شوراهای یک شعار ریسیم کنند یا شد. و خدمات امر تشکیل توده‌ها قرار گیرد. شعار مجلس مؤسسان را ما بعداً "در شکل مناسب طرح خواهیم کرد. بهر حال اکنون نه تنها شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی طرح شده است، و ما از توده‌ها سرنگونی این رژیم را طلب میکنیم، بلکه شعار جمهوری - دمکراتیک خلق نیز از سوی سازمان طرح شده است. بنا بر این لازمست که هر چند مختصر پیرامون معنا و مضمون جمهوری دمکراتیک خلق نیز صحبت شود. در قطعنامه‌ای که از سوی کنگره پیرامون روش سیاسی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک توده‌ای به تصویب رسید. جمهوری دمکراتیک خلق بعنوان جمهوری دمکراتیک انقلابی کارگران و

زحمتگان شهروستا که مبتنی بر شوراها و مسلح کارگران، دهقانان... و بادی دیگر تشکلهای انقلابی توده‌ها است، تعریف شده است. این فرمولبندی از یکسوم مضمون دولت و از سوی دیگر شکل آنرا تعیین میکند فرمولبندی برای این امر دلالت دارد که در جمهوری دمکراتیک خلق، دیکتاتور جمهوری کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی - شهریستی دیکتاتور دیکراتیک توده‌ای اعمال میشود. این در واقع اعمال - دیکتاتور از سوی خلق یعنی از سوی کارگران و خرده بورژوازی شهروستا تحت رهبری طبقه کارگر علیه دشمنان خلق یعنی امپریالیسم، سرمایه داران - وابسته و همه مرتجعین و دمکراسی برای خلق معنی میدهد. دیکتاتور دیکراتیک توده‌ای در همان حال بیباکنگر منطبق است. مضمون طبقه‌ای جمهوری دمکراتیک خلق نشان میدهد، که در جامعه ایران و در مرحله کنونی انقلاب، به دیکتاتور دیکراتیک یک طبقه یعنی پرولتاریا، بلکه کنگره - دیکتاتور کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهری اعمال خواهد شد. درست است که دیکتاتور دیکراتیک انقلابی کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهری در مقوله دیکتاتور دیکراتیک پرولتاریا قرار دارد. اما انقلاب دمکراتیک ایران نیز در زمره انقلابات پرولتاریست اما این هنوز به معنای دیکتاتور دیکتاتور پرولتاریا به معنای اخس کلمه نیست. همان اتحاد کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهری نشان میدهد که انقلاب ایران نه یک انقلاب سوسیالیستی بلکه یک انقلابی دمکراتیک توده‌ای محسوب میشود.

درست است که پس از تحولات فرمیستی دهه چهل، شیوه تولید سرمایه داری به عنوان شیوه مسلط تولید در آمد و مناسبات تولید سرمایه داری به عنوان مناسبات مسلط عمل می‌کنند و طبقات - اصلی جامعه بورژوازی و پرولتاریاست اما ویژگی جامعه ایران در آنست که تسلط مناسبات سرمایه داری در ایران همراه با رشد همه جانبه نیروهای مولد نبوده است. نیروهای مولد در سطح نالی از تکامل قرار دارند. خرده بورژوازی شهری و روستا، بخش عظیمی از جمعیت ایران را تشکیل میدهد. طبقه کارگر از شکل و آگاهی بسیار نالی برخوردار است - جامعه ایران یک جامعه سرمایه داری - وابسته، تحت سلطه امپریالیسم محسوب میگردد، روستای سیاسی سرمایه داری - وابسته، بشکل دیکتاتور عربیان، مسئله آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک را بصورت یک خواست مبرم عموم خلق در آورده است و... از اینرو انقلاب ایران در وهله نخست می‌بایستی بر انداختن سلطه امپریالیسم و کسب استقلال ملی، رشد نیروهای مولد، دمکراتیزه کردن جامعه و تان مبنی - آزادیهای سیاسی را که پرولتاریا برای تشکیل و آگاهی خود پیش از همه بدان نیاز دارد، هدف خود قرار دهد. نه تنها منافع طبقه کارگر، بلکه منافع دهقانان و خرده بورژوازی شهری نیز در تحقق این اهداف نهفته است. از این رو پرولتاریا در مرحله کنونی انقلاب و به منظور - طبقه در صفحه ۱۲

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



استثمار شدت می یابد

بحران روزبه روز شدیدتر میشود، سرما به داران ورژیم حا می شان سستی دارند بار بحرانی هر چه بیشتر بدوش - کارگران و رحمتگمان بیاندازند. اخراج کارگران تحت عنوان ما زاد شدت میگیرد در مقابل گرانی کمزگیان از اضا شه شدن حقوق خبری نیست، پیاپی شدن طرح طبقه بندی مدا مبه تعویق می افتد، مزایا بسه بهانه های مختلف قطع میشود، گذشته از حق مسکن و خوار و روبا روح فنی، حق اولاد نیز به دو فرزند تقلیل می یابد، و با لخره حتی از غذای روزانه کارگران نیز نمی گذرند. کمبود گرانی مواد غذایی باعث شده که سرما به داران زانو صفت برای جلوگیری از کاهش سودسراشان به غذای کارگران هم دستبرد بزنند.

اخیرا در اکثر کارخانجات اگر غذا قطع نشده باشد کیفیت بسیار پائینی برخوردار شده است. غالباً "گوت گوت" از غذاها حذف میشود و بجای آن حبوبات و تخم مرغ و حتی نان و پنیر میدهند. کارگری که ۹ ساعت کار میکند انرژی از دست رفته را با پدیا مواد کما ارزش - غذایی چندانی ندارد تا مین نمایند. از آنجا که حقوق کارگران نیز کفاف - تا مین غذای کافی در بیرون از کارخانه را نمیدهد، در نتیجه این امر بعضی تشدید بیماری و از کار افتادگی سریعتر آنان میگردد.

مزدوران سرما به در مقابل اعتراضات کارگران ضمن عقب نشینی در مقابل آنان با استفاده از عدم تشکل و آگاهی نسا ری بکارگیری حیلله های جدید سعی می کنند با حداقل ضرر مسئله را حل کنند. در پاسخ به اعتراضات کارگران راههای مختلفی از جانب مدیران ارائه شده است که همه در نهایت به نفع سرما به داران است. در برخی از کارخانجات مدیران پیشنهاد کرده اند که کارگران تا ساعت ۲ کار کنند و بقیه را در منزل بخورند و با زای - ساعات باقی مانده نیز پنشنه ها کار کنند. در مواردی این عمل با برداخت مبلغی بعنوان حق نهاری همراه است که این مبلغ در رابطه با میزان اتخا داد و سابقه میا رزاتی کارگران متفاوت است و تاکنون بین ۱۰ تا ۲۰ تومان در روز - تومان داشته است. اما مسلم است که از بهای واقعی که باید برای آنها کارگران پرداخته شود بسیار کمتر است چون در غیر این صورت غذای آنان قطع نمیشد. نمونه زیر یکی از این موارد است:

ایران کسساوه

روز سه شنبه ۱۰/۸/۶۰ عده ای از کارگران ایران کا وه در اعتراض به زیاد شدن ساعات کار و نبود غذای گرم، ساعت ۱۰ صبح دست از کار کشیدند و به دفتر کارگری مراجعه نمودند. مسئول کارگری که نتوانسته بود کارگران را قانع و متفرق نماید از دبیر شوراکمک خواست. دبیرشورا پس از مقدمه چینی در مورد اناف شدن ساعات کار گفت: روزی ۲۰ تومان حق نهاری در نظر گرفته شده که شما خودتان غذا تهیه کنید و اگر بخوابید ۲۰ تومان هم به آن اضافه می کنیم. کارگران که میدانستند تهیه مواد غذایی با این مبلغ برایشان امکان پذیر نیست این پیشنهاد را نپذیرفتند.



چشم کارگری

نهایتاً "با دخالت جاسوسان اینچمن - اسلامی که برای شناسایی کارگران آمده بودند، آنان بدون گرفتن نتیجه پراکنده شدند.

مبارزات کارگران خانه سازی تبریز - ادامه دارد

عوامل رژیم جمهوری اسلامی پس از شکست در مقابل تحمن شکوهمند کارگران خانه سازی تبریز تصمیم به تعطیل کارخانه می گیرند تا خود را از "شر" - مبارزات آنها برهانند.

این کارخانه تولیدکننده خانه های پیش ساخته است و در مقطع قیام حدود ۱۰۰۰ کارگر در آن مشغول بکار بودند. کارگران مبارزان خانه سازی، فعلاً نه در قیام شرکت نموده و پس از آن نیز مبارزاتی را برای حفظ دستاوردها، و تحقق خواسته هایشان داشته اند. یکسال بعد از قیام همزمان با ملی شدن این کارخانه رژیم جمهوری اسلامی حمایت از سرما به داران را بسا

اخراج حدود ۴۰۰ تن از کارگران نشان داد. پس از اخراج این عده یورش بسه دستمزدها برین نیز آغاز شد. در شرایطی که حقوق کامل یکماه هم کفاف زندگی کارگران را نمیداد، اکثر اوقات نصف یا بخشی از حقوق آنان پرداخت نمیشد. کارگران - بارها به مقامات دولتی مراجعه کردند و از آنها خواسته که به مشکلاتشان رسیدگی نمایند. اما پاسخ همه یکسان بود "از دست ما کاری ساخته نیست" زحمتگشان خانه - سازی به مرور به ما هیت "بالا" ها "پسی میبرند و هر چه میدشان به "بالا" از بین میرفت نیا ز به اتحاد و حرکت جمعی بیشتر خود را نشان میداد. با لخره کارگران این کارخانه برای دریافت چهار ماه حقوق عقب افتاده شان دست به تحصن زدند. به دنبال این تحصن رئیس اداره کارخانه تسای قبل از این کاری از دستش ساخته نبود "سریعا" در جمع کارگران حاضر میشود. او ما جزا نه از آنها میخواهد که در مورد تحصن با هیچکسی صحبتی نکنند. سپس قول داد که به خواسته هایشان رسیدگی کند و از آنها خواست که دست از تحصن بردارند. اما کارگران که وعده و وعده زیاد شنیده بودند به او اعتماد نکردند و اعلام نمودند که تسای حقوقشان را نگیرند از آنجا نخواهند رفت. با لخره مقامات و ایستادگی آنان مسئولین را به عقب نشینی واداشت. آنها یکماه حقوق کارگران را پرداخته و قبول میدهند بقیه را نیز در اولین فرصت به - بردارند. کارگران مبارزان خانه سازی پس از دریافت یک ماه حقوق، پیروز مندانه

محیط کارخانه را ترک نمودند. چیزی که بیش از یکماه حقوق خوشحالشان میکرد، طعم شیرین بیروزی حاصل از اتحادشان بود.

رژیم بحران زده و عاصی از مبارزات کارگران، یکماه پس از این مبارزات تصمیم به تعطیل کارخانه میگیرد. بکروز که کارگران به کارخانه می آیند درهای بسته رو برو میشوند و از پشت میله های کارخانه به آنها میگویند که یکماه بعد مراجعه نمایند. اما آنان خشمگین از این عمل سرما به داران حاضر به ترک محل نمیشوند. عده ای کناره خیانان تجمع نموده و برای عا برین توضیح میدادند، عده ای نیز با آتش زدن لاستیک و شعار -

دادن اعتراضشان را به این عمل ضسبند انسانی اعلام میداشتند. پس از مدتی همگی تصمیم گرفتند که قتل در را شکسته و وارد کارخانه شوند. اما به دورود: که رسیدند با اسلحه های آماده پاسداران سرمایه روبرو شدند. پاسداران گلنگن کشنده و آنان را تهدید میکنند. کارگران خشمگین ارتنهایی و خالی بودن دستان بصدای بلند فحش میدادند. یون از آنان در حالیکه به سمت در کارخانه میرفت فریاد میزد: "ما را بکشید، مردن بهتر از اینسن زندگی است". مرتب بر تعداد پاسداران افزوده میشدند تا "با محاربه" - کارگران و دستگیری ۶ تن آنان را متفرق نمودند.

بدین صورت در شرایطی که کمبود مسکن در جامعه پیدا میکند، این کارخانه تعطیل میشود زیرا برای رژیم ضد انقلابی حاکم با با سگویی به خواسته های برحق کارگران ادامه کارخانه، سود کافی نخواهند داشت. مبارزات کارگران همچنان ادامه دارد.

اخبار کوتاه

شرکت واحد (۶۰/۹/۱۰)

کارگران تعمیرگاه آذری که از اعمال ضد کارگری و ارتعاعی اعضا تحمن اسلامی به تنگ آمده بودند، ملابری عناصر تحمن اسلامی را به دکت گرفتند. پاسداران برای سدیگی به این جریان سراسیمه به تعمیرگاه ریخته و برای بافتن - محرکین به با زوجی از کارگران برداختند. اما کارگران تعمیرگاه با اتخا خود - یوزه آنان را با خاک مالیدند. در مقابل این سؤال پاسداری که پرسیده بود: "چه کسی ملابری را کتک زده است، همه پاسخ دادند ما زدیم چون او را قبول - نداریم". در اینجا این مزدور سرمایه - عا جزا ز رویا روشی با عصا نیت گفت: "بیخود نیست که ما م گفته مانه از آمریکا می ترسیم نه از خارج و داخل ونه از جاهدین فقط از شما کارگرها می ترسیم چون شما فکر شکم هستید".

البته کارگران تعمیرگاه آذری و سایر کارگران باید توجه داشته باشند که شیوه های رادرمبارزه بکارگیرند که اولاً آنها دهای حکومتی را برضرب بگیرند و ثانیاً به تجمع و تشکل هر چه بیشتر انسان متکی باشد.

زنجیان

روز ۲۱/۸/۶۰ عده ای از کارگران آزاد - شهر (حدود ۴۵ نفر) را برای جابجا کردن بقعه در صفحه ۴

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

روستای زیاران واقع در جاده طالقسان در حدود ۳۰۰ نفر جمعیت دارد که عده ای زمین را بر طبقه خوش نشین و در شرکت های اطراف کار می کنند، قسمتی از زمین های این روستا در زمان اصلاحات ارضی سابق بدست تیمسار اخوان افتاد بعد از قیام همین زمینها از آن با صرمینا چي ميگردد بعد از قیام با تسلیخ زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند خوش نشینهای این روستا میخواهند زمینها را مصادره و کشت کنند که با مداران منطقه از این کار جلوگیری کرده و قول میدهند که این زمینها را بعد از تحقیقات از مبین خوش نشینها تقسیم کنند. مردم با اطمینان از اینها بر میگردند که بعد از یکسال خبری نمیشود، خوش نشینها زمینها را مصادره و کشت میکنند که مجدداً سیاه آمده و زمینها را با زور و تهدید پس میگردند و زمینها را این روستا فکر میکردند که تا بدستهای در حاکمیت وجود داده نگذارد زمین پس اینها تقسیم شود ولی اخیراً بخشنامه ای از طرف دولت صادر شده است که این زمینها موقوفه (مال امام رضا) است و تقسیم نمی شود هر کس که میخواهد میتواند آنها را اجاره کند، حالا چون حکم متوجه شده اند که دستی در دولت نبوده بلکه خط دولت همین بوده و آنها شیک بولسندار هستند می توانند زمینها را اجاره کنند و بولداری شوند. ضمناً بول اجاره را پس زمینها مستقیماً به حوزه علمیه قم



گزارشهای روستائی

به دنبال این عمل روستائیان خشمگین - ترا زایش با داس و بیل و چوب به پاسداران حمله میکنند. درگیری حصاد میشود و عده زیادی دستگیر میشوند که دو تن از آنها (هوادار سازمان و مجاهدین) اعدام میشوند. در مراسم تشییع جنازه این دو روز منتهی خلق تمام اهالی با شعار های ضد رژیم شرکت کردند. - مسئله - در روستاهای آمل شروع به پس گرفتن زمینهای کرده اند که دهقانان پس از قیام، خود اقدام به مصادره شان کرده بودند. در این رابطه یکی از فتوادلهای زندانی را آزاد کرده اطلاق را به او برگردانده اند. شوشن - دو نفر از هفت نفر هیئت اراضی زمین شوشن منطقه بلیت تعداد ۱۰۵۰ پلاک زمین که هر یک پلاک ۲۰۰ متری باشد بین دهقانان تقسیم می شود کردند. بعد از تقسیم زمین معلوم میشود که ۴۰ پلاک از آنها قانونی و ۶۵ پلاک غیر قانونی بوده و با شکایت مالک زمین می بایست برگردانده شود. این دو دنبال شکایت مالک زمین دستگیر میشوند ولی با قرار ۱۰۰۰ هزار تومان آزاد شدند و پلاک - های غیر قانونی را هر یک ۶۰۰۰ تومان فروختند که ۲۰۰۰ هزار تومان را به صندوق دولت واریز کردند و ۴۰۰۰ تومان را خودشان برداشتند که مجدداً توسط سپاه شوشن دستگیر میشوند.

فرستاده میشود. روستائی در نزدیکی قزوین در پی دستگیری یکی از معلمان روستائی در نزدیکی قزوین نزدیک به ۵۰۰ نفر از اهالی روستا دست به نظاهرات میزنند و خواهان آزادی وی میگردند. در مقابل با ختمان نسج سن مردم و با سدا را ن درگیری رخ میدهد که رفیعی به نام نجف اخلاقی به شهادت میرسد

جنبش کارگری

نیمه از صفحه ۳ میقات تا ما دکانها واقع در خارج شهر مسرند. افسر مسئول اینکار از آنان میخواهد که برخلاف سابق که هر ۸ نفر دو تریلی بار را تخلیه می نمودند، هر ۶ نفر اینکار را انجام دهند. کارگران که وضع را چنین دیدند علیرغم قزوق و بیگاریشان حاضر به پذیرش این کار نشدند و همگی دست از کار کشیدند. افسر مزبور شروع به تهدید کرد که شما جنبشی هستید و اگر کار نکنید همه شما را تحویل سپاه میدهم. اما کارگران بنگارچه و مضمون توجه به تهدیدهای او بنا به نظر شهرسرا ه افتادند و در مسیر طولانی که میرفتند در مورد رنجهای مشترک و راههای از این رنجها صحبت میکردند.

واشسیر (شهر صنعتی البرز)

به دنبال اقدام ۱۱ تن از انقلابیون در شهرستان قزوین و دفن اجساد آنان در یک منطقه خارج از گورستان شهر، خانوادها شهدا دست به یک حرکت اعتراضی زدند که مورد حمایت توده مردم قزوین گرفت. کارگران کارخانه واشسیر به منظور حمایت از آنان و برابر از جاز از اعمال ضد خلقی حاکمیت ۱۵ دقیقه دست از کار کشیدند. آنها بدینوسیله ضمن ارج نهادن به مبارزات انقلابیون نشان دادند که تلاشیهای مذبوحانه رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از همسنگی بوده ها با نیروهای انقلابی و بیشتر به حاشی نخواهد رسید.

بندر خم مشهر

تن از کارگران با زدن و بدعمل می آید، اما به یکی از آنان که بول خودش حتی تولد هم نداشت وام تعلق نمیگیرد. بعدها مشخص میشود که شخصی که از خانه او دیدن کرده از او پرسیده است تو نماز میخوانی و آن کارگر پاسخ منفی داده است. جاسوس انجمن اسلامی به او میگوید ما به کسی که نماز نمیخواند حتی بگریال هم نخواهیم داد.

تبریز

دو نفر از کارگران مرد بجرم قدم زدن با زنان کارگر و ۱۵۰ روز حقوق جریمه شدند. انجمن اسلامی تبدی اطلاعیه ای اعلام کرده است که بعد از این هر کارگری که از دستورات انجمن سرپیچی کند جریمه خواهد شد. اولین نمونه هم شامل حساب کارگرانی شده که به اطلاعیه ارتجاعی انجمن مبنی بر ممنوعیت هرگونه تماس زن و مرد در کارخانه توجه نکرده بودند. این مرتجعین خشک مغز بیهوده می بیند از رند که با زور و جریمه میتوانند قوا این قرون وسطائی رازنده کنند.

ایران ناسیونال

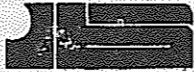
در روز ۷ تا ۸ آذر ماه یکی از کارگران نصب موکت کارخانه بنام علی وظیفه دان برای اینکه شیزخانه یک قسمت از کارخانه را موکت بکند، تینر را در سطح آشیزخانه پخش میکند. آشیزخانگان که آن فیوز برق را وصل میکنند و آشیزخانه آتش میگیرد. آشیزخیمی شده و علی وظیفه دان بکلی میسوزد بطوری که زنتش قادر به شنا سائسی او نمی شود. در مراسم هفت ادر روز ۱۳/۹ در بهشت زهرا عده کثیری از کارگران شرکت می کنند. بگفته یکی از اقوام مش رئیس کارخانه مقدار زیادی بول به دستکش میدهد که هر طور میتوانند او را معالجه کنند این کارگر ۳۵ یا ۳۶ سال داشت و دارای ۶ بچه بود.

صبح روز چهارشنبه ۲/۱۰/۶۰ حدود ۲۵۰ نفر از کارگران بنا در و کشتیرانی بندر خم مشهر برای رسیدگی به وضعیتشان جلوی وزارت کار در تهران اجتماع نمودند. این کارگران که در اثر جنگ آواره شده اند، از عواقب خانمانسوز آن برای کارگران و زحمتکشان سخن می گفتند. آنان حدود هفت ماه است که هیچ مستمری از دولت حامی مستضعفان دریافت نکرده اند. و این در شرایطی است که روزانه هزاران دلار از دسترنج کارگران و زحمتکشان صرف خرید سلاحهای امریکائی میشود. تا آنها بر سر خود یا برادران - عربشان آتش ببارند. یکی از آنان که به پیر مرد بود می گفت: "هفت ماه است هیچ پولی نگرفته ام، گرسنگی دیگر طاقت را به پایان رسانده، دیگر نان و غذا برای خوردن نداریم."

لیفت تراک سازی تبریز

جاسوسان انجمن اسلامی برای اینکه از میزان نفرت و انزجار کارگران نسبت بخود بیکار هند و برای رسمیت بخشیدن بخود و کسب قدرت در سطح کارخانه، کنترل برخی امور اجرایی و رقابتهای را بعهده میگیرند. اما از آنجا که در این موارد هم حزب الهیها را در درجه اول قرار میدهند، هر چه بیشتر در نزد توده ها آفتاب و طرد میشوند. جنبشی بدین مقدرای بول از طرف تا تک کارگران در اختیار انجمن اسلامی لیفت تراک سازی قرار میگیرد. بعنوان وام مسکن به کارگران داده شود. حدود ۴۰ نفر برای دریافت وام ثبت نام میکنند که از این عده فقط به سه یا چهار نفر ۱۵۰ هزار تومان میرسد (بهر نفر) با قیما شده بول را برای تعمیرخانه در اختیار کارگرانی که منازلشان مخروبه است نام گذارند. البته مسئولیت انتخاب افراد و اجدا شرایط با حزب الهی های انجمن است. در این رابطه از خانه چند -

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



بیست و سومین سالگرد انقلاب کوبا گرامی باد

در شامه قبل به مناسبت بیست و سومین سالگرد انقلاب کوبا، شمه‌ای از دستاوردهای دولت انقلابی کوبا در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و ایجاد و تحکیم ساختار سوسیالیسم را با زنگو کردیم. در این شماره با آداب بررسی این دستاوردها در رابطه با پیاده کردن بهداشت همگانی، مردمی و سوسیالیستی و همچنین ایجاد دولتکامل ارتش خلقی خواهیم پرداخت: برنامه پیاده کردن بهداشت سوسیالیستی در کوبا

در پی پیروزی انقلاب، از ۱۵۸۰۰۰ تن اساتیددا تشکله پزشکی، تنها ۱۷ تن ماندن در کوبا را برگزیدند و نیز بیش از یک سوم پزشکان بهمین ترتیب از میهن گریختند. دولت انقلابی کوبا با هشت برابر کردن بودجه خدمات درمانی، طی هشت سال اول انقلاب و با تأسیس دودانشکده پزشکی جدید - علاوه بر تنها دانشکده پزشکی سابق ماریا این کمبود را تا غا ز نمود.

طی ده سال پیش از یکصد بیست و سه و در مانگاه در روستاها احداث گردید. در ده سال پیش از یکصد بیست و سه به ۱۷۰۰۰ دستگاه افزایش یافت و نیز ۲۵۰ مرکز مراقبت پزشکی در شهرها ایجاد شد. در سال ۱۹۷۶ تعداد دانشجویان پزشکی بشماره تحمیل ۵۰۰۰ نفر بود که از این عده ۱۰۰ نفر در صدان رادختران تشکیل میدادند. اینان دیگر وقت خود را با فراگیری تخصص‌های پولسا و زو غیر ضروری برای همگان، به هدر نمی‌دادند بلکه راه‌های مقابله با بیماری‌های خاص کشور خویش و به ویژه مراضی که در زمین زحمکشان شایع بود نظیر مالاریا، اسهال و استفراغ‌های کشنده، تیفوئید و فلج اطفال و... را می‌موختند. و شمره ۱۰۰۰ تن را تعداد تقریباً نیمی از ماریا از سالانده هزار نفر (پیش از انقلاب) به ده نفر در سال ۱۹۶۷ رسید. تعداد تقریباً نیمی از تیفوئید یک دهه کم‌تر از پیش یافت. در سال ۱۹۶۴، ۲/۵ میلیون کودک کمتر از ۱۴ سال علیه بیماری فلج اطفال واکسینه شدند. اساس خدمات پزشکی در کوبا بعد از انقلاب بر پایه اصل "پیشگیری به جای مداوا" استوار است. تمام تلاش در خدمت با لابردن سطح بهداشت توده‌های محرومی است که پیش از انقلاب در محیط آلوده و پراکنش‌ها تسر می‌یبردند. با این ترتیب هدف اصلی بهداشت در کوبا - همانگونه که با یدریک کشور سوسیالیستی باشد - از بین بردن ریشه‌های وجود آورنده بیماری است. یکی از افتخارات دولت انقلابی کوبا در اینست که هر ساله تعداد زیادی از پزشکان خود را (که البته این پزشکان خود را و طلب هستند) در اختیار کشورهای آریند رسته آفریقا، آسیا و آمریکا ی لاتین نظیر آنگولا، نیکاراگوئه و... می‌گذارد.

ایجاد ارتش خلقی برای حفظ دستاوردهای انقلاب و مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا استخوانبندی نیروهای مسلح انقلابی

کوبا در "سیرا مایسترا" و در جریان نبرد مسلحانه علیه دیکتاتور با تیتا شکست گرفت. ولی ریشه‌های آن به سالها قبل از آن، یعنی بدوران جنگهای استقلال طلبانه علیه اسپانیا بر میگردد. هنگامی که با تیتا فراگرد انقلابیون وارد ها و اتا شدند، ارتش دیکتاتور با تیتا که در نبرد با نیروهای مسلح انقلابی وتوده های خلق نیرو و توان خود را از دست داده بود، به یکبار ردهاغان شد. با این ترتیب خلق کوبا ارتش خدمتگزار روروازی را بنا بود که در بجای آن ارتشی که توانسته بود حکومت دیکتاتور را سرنگون سازد، جانشین این ارتش گردد.

تشکیل ارتش نوین خلقی در کوبا نه تنها برای نابودی سرمایه داران و استبداد و استقرار حاکمیت خلق و سپس استقرار سوسیالیسم ضروری بود، بلکه برای حفظ حکومت انقلابی کوبا در مقابل توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، که در چند صد ساله این کشور به کمین نشسته بود، حیاتی بود. زیرا خلق کوبا هنوز از جشن ویا یکویی به خاطر سقوط دیکتاتور با تیتا فارغ نشده بود که با دشمنی که به مراتب قوی تر، مکارتر و دارای امکانات وسیع تری از با تیتا بود و انقلاب کوبا را تهدید میکرد، روبرو شد. بنا بر این در مقابل خطر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا نیروهای مسلح انقلابی حکومت دیکتاتور را سرنگون کرده بود که فی به نظر نمی‌رسید. لازم بود - ارتش خلقی هم از لحاظ تعداد نیرو و پرسنل و از نظر توانائی رزمی نگاه میداد و سازماندهی رزم جهت کارائی و آموزش سیاسی - ایدئولوژیک بعمل آید.

در این رابطه طبیعی بود که افسران این ارتش را چریک‌های که طی ۴ سال - مبارزه مسلحانه نمودند و در کوهها، روستاها و شهرها آبدیده شده بودند تشکیل دهند. اینها دسته‌های کوچک از کارگران کشاورزی، کشا و رزان، کارگران صنعتی و سرگرد زحمتکش و قنبر شهری بودند که در عملیات چریکی در شهرها و روستاها و کوهها مجرب شده بودند. اینها کسانی بودند که در این مبارزه که در اشکال متنوعی انجام گرفته بود آبدیده شده بودند. آری نخستین مدارس جنگ که توسط انقلاب کوبا ایجاد شده بود، نخستین افسران را پرورش داده بود.

بخاطر ضرورت دفاع از انقلاب تنها ده ماه پس از پیروزی انقلاب، اولین میلیشیای انقلابی ملی مرکب از صد هشتاد هزار زن و مرد کوبائی، کارگر و دهقان و روشنفکر، در سراسر کشور بوجود آمد. اینها همگی به فراگیری فنون جنگی و کار بردن سلاحهای جدید پرداختند. ارتش میلیشیای انقلابی در سراسر کشور و در هر نقطه‌ای که توده‌ها مجتمع بودند شکل گرفت.

کارگران صنعتی در کارخانه‌ها، یگان، کارهای مسلح کارگری تشکیل دادند. در روستاها میلیشیای روستائی تشکیل شد و وظیفه آنها ن حفاظت از محصولات در مقابل خرابکاری ضد انقلاب و مقابله در برابر تهاجم خارجی بود. در سواحل کوبا، دریانما همگرا ن افراد میلیشیا و وظیفه‌ها شدند تا قیقا و کشتیهای دشمن را ردیابی کنند و با هوشیاری حرکات و نقل و انتقالات دشمن را زیر نظر بگیرند. در مدارس و دانشگاهها، دانش آموزان و دانشجویان دختر و پسر دستجات میلیشیا تشکیل داده و به فرا گرفتن کار -

برد سلاح و فنون جنگی و آمادگی رزمی بر داختند.

با این ترتیب خلق کوبا دوران پر شکوهی را تجربه میکرد

نتیجه اینکه وقتی حمله گسترده و برنامه ریزی شده‌ای توسط هزاران کوبائی میلیشیا به حمله گسترده و برنامه ریزی شده بود با تمام تجهیزات و پشتیبانی کامل ارتش آمریکا، به خلیج خوکها آغاز گردید، خلق قهرمان کوبا و میلیشیای رزمنده آن آمادگی کامل داشت که در مقابل این تجاوز آشکارا مقابله کرده و پیروزه متجاوزین را بخاک بمالد. این نیروی خلقی بود که توانست فقط ظرف ۷۲ ساعت حمله برق آسا را سرکوب کرده و هزار کوبائی را با تمام تجهیزات تشنگان دستگیر و تمام قایقها یان را ضبط کند. این شکست برای ایالات متحده آمریکا درس بزرگی بود که از یک ملت کوچک ولسی مصمم گرفت. درس بزرگتر اینست که قیمت سنگین تری از خلق دلار و بیت نام دریافت کرد. شکست امپریالیسم آمریکا در خلیج خوکها اولین شکست آمریکا در قاره آمریکا بود.

و هنگامی که آمریکا بحران موشکی را در سال ۱۹۶۲ در کوبا بوجود آورد نزدیک بود جان را تا سرحد جنگ جهانی ببرد. بنا بر عزم راسخ خلق کوبا که از تهدیدات امپریالیسم نهراسیده بود آمریکا را وادار به عقب نشینی کرد.

و چنین آمادگی رزمی و همبستگی خلق مسلح با ارتش مردمی است که طی بیست و دو سال حیات انقلاب، دولت کوبا را قادر ساخته در مقابل تمام تهدیدات امپریالیسم استبدادی کرده و نه تنها از انقلاب خود حراست کند بلکه به خلقهای آمریکا ی لاتین چون نیکاراگوئه،

السالوادور، کوبا، تمالاو... در بدست آوردن آزادی و استقلال و زندگی بهتر کمک نماید. چنین موفقیتی است که کوبا را قادر می‌سازد با از این هم‌فرا تر نهاده و برای دفاع از انقلاب آنگولادر مقابل حمله گسترده دولت نژادپرست آفریقائی جنوبی، نیروهای خود را هزاران کیلومتر آنطرف تر از مرزهای خود گسیل دارد. آخرین حرکت توده‌ای دفاع مسلحانه در مقابل تهدیدات اخیر امپریالیسم آمریکا به رهبری ریگان، ایجاد نیروهای میلیشیا ی منطقه‌ای است که بنا به فرا -

خوان فیدل کاسترو و حزب کمونیست کوبا بوجود آمد. پس از اعلام این فراخوان بود که ظرف چند ماه نیروی عظیمی دا و طلب خدمت شدند. این عده که در هر لحظه تعداد آنها بیش از یکصد هزار است، در گردانها و هنگ‌های مختلف متشکل گردیده و به آموزش رزمی می‌پردازند.

اما این عده تنها بخش کوچکی از دا و طلبان هستند که به آموزش مشغولند، میلیونها نفر دیگر در انتظار فرصت هستند که بتوانند در این بسیج عمومی شرکت کرده و

آموزشهای نظامی را فراگیرند. دربار اهمیت تشکیل نیروهای میلیشیا ی منطقه‌ای "فیدل کاسترو و چنین می‌گوید:

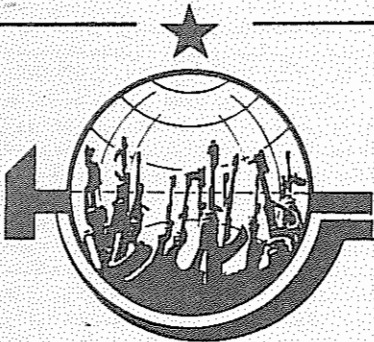
نیروهای میلیشیا ی منطقه‌ای " نیروی سترگ و بی نظیری است که آمادگی رزمی نیروهای مسلح انقلابی (ارتش) و تمام مردم را چندین بار بر خواهد ساخت

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش

زنده باد پیرو (قسمت آخر)

جنبش جهانی

کارگری - رهائیبخش



درصد رانی که بلونده تری بدست آورد ،
سپس وجه قابل مقایسه با ۲۷/۵ درصد
رای کاندید "حزب آبرا" نبود. هرچند که
بلونده تری این مقد: حمایت را مدیون
حمایت برخی از هواداران نیروهای چپ
که هر اسان از قدرت یابی "حزب آبرا"
(A.P.R.A) بلونده تری را ترجیح داده -
بودند ، نیز بود. انتخاب بددیرا بریدتر
از سوی این هواداران چپ ، سوا قساع
نمایا نگر جراتی بود که فقدان تحلیلی
روسی از رخداد های طبقاتی و نیودیرا مه
عمل کارگری برای جنبش کارگری و
کمونیستی پروا فریده بود.
در دهه ۱۹۶۰ ، بورژوازی ، "فرناندو -
بلونده تری" را "امداد آمریکای لاتین"
مخواند ، برنا مه امیرالیستی "اتحاد
برای پیشرفت" پشتیبانی ای میدیغ
انتظار آن داشت که او یگانه عمده کاری
با شبکه قدرتهای گردن بر خیزد
اطلاعات برای رهائی از بند قشودا لیسم
تسریع روند صنعتی شدن جامعه و
خلوگری از تکرار انقلاب کوبا باشد ،
اما کودتای نظامیان نشان داد که برنا مه
ورشکسته "بلونده تری" رسالت انجام -
چنین اهدافی را ندارد .
سال ۱۹۸۰ ، هنگامی که "بلونده تری"
به قدرتها زگشت ، با ملتی رادیکالیزه
شده در رخداد های طبقاتی روبرو شد . بروی
دهه ۱۹۸۰ ، میرفت تا فازی جدیدا بسط
سرما به داری وانباشت را آغاز کند . بدلیل
افزایش قیمت مس و جریان جدیدی از نفت
پس از چهار سال بنا برابری چشمگیر -
صادرات و واردات ، نشانه های از توازن
در این دوزمین به چشم میخورد ، دخیسره
ارزی خارجی تا پایان سال ۱۹۷۹ به ۵۲۷
میلیون دلار رسید . این خود بنیانگرایی
نکته بود که کالاهای میانی اثی را که
صنایع پرو بر محور حضور آن ها می توانست
بگردد ، حال میشد ، وارد کرد .
اما از سوی دیگر شما ره کارگران نسبت
به سالهای دهه ۱۹۶۰ دوبرابر شده بود و جنبش
کارگری در قیاس با ده سال پیش از رهبری
- اثی کارآزموده و رادیکال برخوردار -
بود ، هم ازین رو خوش بینی "بلونده تری"
در زمینه برخورد با مسائل کشور نتوانست
دیرپا باشد . در نخستین ماه بقدرت رسیدن
"بلونده تری" ، ۴۰ عصاب دسرا سرکشور
برپا شد . کارگران و زحمتمکشی که برنا مه
بقیه در صفحه ۶

مراقبت از دورا برگزیند ، ژنرال هادری
با فتن غیرنظامی که از پس انجام
کارهای بی آینه گدایان دیگر قاتل
انجامش نمودند ، بدنیال سه عنصر می گشتند :
۱- نخست باید ، دولت غیرنظامی دولتی
مقتدر ، و از نیروی سیاسی "مسئول" باشد ،
تا بتواند بیگونه ای مو ، ثر در برابر
هر دم فزاینده جنبش کارگری و کمونیستی
بایستد .
۲- باید از پیش صامت دهد که هیچ
روی گامی در راستای تضعیف ارتش ،
از طریق اقدام به تحقیق بررسی دزدیها
و نیز جنایاتی که نظامیان در سالهای -
قدرت ، مرتکب شدند ، بر ندارد .
۳- اینکه نقش با یدار نظام میان پر
زمینه کنترل بودجه ، برنا مه های اقتصادی
و تدوین هرگونه قرارداد ، همچنان محفوظ
بماند .
به با ورا اکثر اعضای خونتا ، این تنها
"حزب آبرا" (A.P.R.A) بود که می توانست
چنین تضمین هایی را ارائه دهد . بر پایه
چنین درکی بود که ژنرال ها ، در خلا سا
"ها یا دالاتوره" رهبر "حزب آبرا" (APRA)
که سالهای آخر عمرش را می گذراند ، با
مذاکره را با زکرتند ، این رشته از مذاکرات
با دیگر رهبران "حزب آبرا" (A.P.R.A)
تیزخول و خوش مسائلی چون جنگ
کنترل و سرکوب حرکت های کارگری و سر
نحوه واگذاری دولت به غیرنظامیان
پیش و پس از انتخابات ۱۹۷۸ صورت گرفت
اما با مرگ "ها یا دالاتوره" در اوت ۱۹۷۹ ،
و بدنیال حادثه تضا دهی که بر نیاد ،
بر نیسب های سیاسی در درون "حزب آبرا"
(A.P.R.A) شکل می گرفت ، ژنرال ها بدنیال
بدیلی دیگر گشتند تا در معادلات خویش
برای تعیین دولت غیرنظامی آینده ، جای
خالی "حزب آبرا" (A.P.R.A) را پر کنند ، برای
این کار ، اینان متحمل زحمت زیادی -
نشدند ، "فرناندو بلونده تری" و "حزب کنش
مردمی" (A.P) مورد حمایت بورژوازی -
لیبرال و خا ضرورنا طری بود . این همسان
"بلونده تری" بود که ژنرال ها ، با زده سال
پیش از آن ، یعنی سال ۱۹۶۸ ، از قدرت
بزیوش کشا نده بودند .
"بلونده تری" با آگامی بر جراتی که
بخاطر نیودیرا مه عمل کارگری ، جنبش
کمونیستی پرو را فرا گرفته بود ، تلاش اش
را بر آن نهاد تا با طرح نیازه های اساسی
تهیدستان و ولایه های میانی شهروندان
پروئی ، بودادن وعده برآوردن این نیازه
بخش های از زحمتمکشان را بدنیال خود
بکشد . پس از فروپاشی "حزب آبرا"
(A.P.R.A) ، او خود را یگانه منجی قربیان
دیکتا توری ده ساله نظامیان می خواند . او
قول ایجاد دیک میلیون شغل جدید ، یکسار
با زگرداندن کارگرانی که بدلیل سیاسی
از واحدهای تولیدی اخراج شده بودند ،
آزادی کارگران زندانی ، کنترل قیمت ها
و تطبیق بسامان سطح دستمزدها با نرخ
تورم را میداد .
حتی خود رهبران "حزب کنش مردمی" -
(A.P) نیز از پیرویشان در انتخابات
ریاست جمهوری شگفت زده شده بودند . ۴۲

در آخرین بخش از مقاله در باره "دولت
در ریپ با فتن و انقلابات" در بخشهای
دربورنا گنون ارائه شد ، این مقاله ای
ضوور می آید ، و آن اینکه تا پیش از بررسی
از رفقای خواننده ضرورنا طری
بررسی جنبش کارگری یک جنبش
گونه ، یعنی در طول ۹ سال از روزنا مه
زیر سوال باشد ، همانگونه که پیشتر نیز
اشاره کردیم ، جنبش کارگری پرو که یکی از
پروان ترین و رادیکال ترین جنبش های
کارگری در آمریکای لاتین است ، بر نیسب
از آنجنان مبارزه خادطبقاتی ای شکل
گرفته که هر حمت میتوان تجربه ای همسنگ
با آن را سراغ گرفت ، در طول ۱۳ سال ، پرو
شاهدیک دوره ، با لنسبه کامل از سیتیز -
طبقاتی نیود که در محنه آن بورژوازی ، تمامی
شگردهای با رت برده از اسلاف اش را به
نمایش گذاشت ، از بنا یا رتسیم با های و
هو ی حمایت از منافع خلق گرفته تا -
دیکتا توری خش و عربیان ، از زفر میسم
با قیل و قال مداره "هدا یه ریالیستی"
گرفته تا حمایت بلاواسطه از متاع شرکته -
های چند ملیتی امیرالیستی ، بورژوازی
هر آنچه در گیشه داشت ، برای مقابله با
جنبش کارگران ، دهقانان و تهیدستان
سما یی گذاشت ، از سوی دیگر در طول همین
۱۴ سال نیز چهره رنگارنگ دو بیگان دوغین
خلق برای خلق میان شد ، سوسیال فرمیسم
پرو که بر چند از راستین اش جریان میسم
"حزب کمونیست پرو" (P.C.P) نیودونیست
در طول این زمان ، نشان داد که رسالت اش
تنها و تنها در پیش گرفتن یک سیاست است
و بس : حمایت بی چون و چرا از هر آن که
در قدرت است ، حال میخواهد این ژنرال
و لسکوال وارد وی بنا یا رتسیم باشد ، یا
ژنرال "مورا لیرمود" ، جلاله ، و با حساب
"فرناندو بلونده تری" لیبرال بزغم -
سوسیال فرمیسم ها اینان همه شسان
می توانستند می توانند رسالت رهبری
جامعه پرو را از طریق راه رشد غیر سرما یه
داری تا مرزهای سوسیالیسم و از آن هم
فرا ترا خود بسط - سوسیالیسم ، داشتند
باشد .
طبقه کارگر پرو و رهبران راستین مسلح
به ماکسیسم انقلابی اش در طول این مدت
استوار و جان سرکف ، یک تنه بر چم سرخ -
رهائی کارگران و زحمتمکشان را ، در زیم
رنگاری از گلوله و آتش و بی اعتنا یه
اغوی خائنین ، در راستای انقلاب پرو لتری
و برای برپائی بروی سوسیالیست بردوش -
کشیدند ، موختن از نما می این تجارب
آموختن از نما می این صلابت ها و استواریها
در امر مبارزه ، برای جنبش کارگری و
کمونیستی یقین مان ، و برای تمام
انقلابسون کمونیست ضرور می آید .
رژیم نظامی حاکم بر پرو ، پس از یوا زده
سال اعمال حاکمیت ، هر اسان از رشک
هر دم فزاینده جنبش کارگری و آگاه یه
تا کفایتی خویش در مقابله با آن ، سر آن
داشت تا آنرو میندانه و پیش از آن که گسار
از کار بگذرد ، شگردی دیگر با زی کند و دولت
را بدست غیرنظامیان بسپارد ، و خود

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائیبخش جهان

هفته وحدت

بقیه از صفحه ۱

اعدا میهای و حبسها به رژیم به نیت خود رسید و همچنین انزوای سیاسی رژیم در سطح منطقه که با بسته کردن سیاست ارتجاعی با آن اسلامی شکل گرفت و شکل - روزا فزونی رتدمت میابد. از سویی و از سوی دیگر با توره های عراقی در جهت خاتمه دادن به جنگ و ارائه یی در پی طرحهای متفاوت "تحل" که تنها با عدم پذیرش رژیم - جمهوری اسلامی و بروز گشته و از این رژیم جبهه های جنگ طلب در جهان و بخصوص - منطقه ترسیم کرده است موجبات وزمینه - های برگزاری نمایشی بنام "هفته وحدت" را فراهم نموده است. رژیم با برگزاری - جنس نمایشی کوشید تا در عین مطرح - نمودن خود در سطح منطقه و خروج نسبی از انزوای سیاسی، حرکتی را در جهت نقضی جنگ طلب بودن خود شکل دهد و خود را - خواهان ملج و وحدت حلوه گرا زده در عین حال رژیم جمهوری اسلامی اهداف دیگری را نیز از برگزاری این نمایش دنبال - میکرد. رژیم که محور نمایشی سیاست خارجی - آن را برتری طلبی در منطقه و تثبیت خود بعنوان قدرت غالب قرار داده است و میگوید در شرایطی که توازن قوا در منطقه بهم خورد و جانمایی هائی در حال رخ دادن است سمت زاندارمی منطقه را دست آورد و بنا بر سیاست ارتجاعی با آن اسلامی خود را بنام "محور هفته وحدت در رابطه با سیاست خارجی" - موعظه سازین طبعی در لولای آن اسلامیسم و حرارت و حفاظت از منافع امپریالیسم در لولای مذهب تحت هژمونی جمهوری - اسلامی بود. روزنامه کیهان این سیاست ارتجاعی را در یادداشت روز خود (دره ۲۰ - دیماه) اینچنین شرح میدهد "در مکتب اسلام نیز مسأله وحدت مطرح است، اسلام بنش از آنکه روی وحدت مسلمانان با دیگر مذاهب و مکتب بحث داشته باشد و وحدت بین خود مسلمانان را در نظر دارد... رابطه - ملخمن با مکتب غیر خدایی و بنا به - خدائی بر مبنای "عدم تجاوز به حدود خدا" تعیین میشود (کیهان ۲۰ دیماه ۶۰) روشن است که سیاست ارتجاعی - امپریالیستی کمربند سبز که هدف خود را ایجاد یک سلسله کشورهای کمربندی جهت جلوگیری از - رند و نفوذ کمونیسم در منطقه قرار میدهد - بصورتی کامل در اینجا بیان میگردد. با بددقت کرد اینجا دیگر سخنی از مقابله با امپریالیسم و سلطان بزرگ و غیره نیست سخن از "مکتب غیر خدایی با خدا خدائی" است که در قلموس رژیم جمهوری اسلامی تنها و تنها کمونیسم معنی میدهد. هرگاه بخواهیم تشریح شده در بالا را خلاصه کنیم - میتوان گفت رژیمهای اسلامی منطقه - متحد شوند و در مقابل کمونیسم با بنیاد - در این مورد میتوان به قطعاً - توسط اهل سنت که در زمان رجعت ۱۹ - دنیا قرائت تدبیر مرا حقه نمودن - قطعاً ما میگوید "ما حمایت قاطعانه خوش را از جنبش های اسلامی و بیعت های - آزاد جنبش نظیر افغانستان، مصر، عراق، عربستان و خصوصاً آزادی ست المقدس عزیز از جنگ اثنال گران صهیونیست اعلام میداریم" که با هرگاه به فرهنگ - بنیاد ارتجاعی جمهوری اسلامی مراجعه کنیم می بینیم معنای این جمله، اعلام - حمایت بدون قید و شرط و قاطعانه! از "حرکت اسلامی افغانستان"، "آخوان -

المسلمین"، "حزب الدعوة" و "جنبش اصل" مینا شد. با چنین محتوا و امبالی است که خا منهای دست به موعظه بر میدارند و سازش طبقاتی ملت و دولتهای ارتجاعی و سرسپرده منطقه را زیر لوای اسلام موعظه می کنند و می گوید "نوصیه من به برادران در راس دولتهای مسلمان این است که گام اول را در راه این وحدت بزرگ بردارند گام اول آشتی با ملتهاست. میان دولتها و ملتها با یداشتی و مهربانی بوجود آید" (کنفرانس مطبوعاتی - جمهوری اسلامی ۱۹ دیماه) - با یدانست - و توجه کرد - که در این - سیاست و شکل خود بخودی مسأله برتری طلبی و اعمال هژمونی جمهوری اسلامی نهفته است. رژیم با تبلیغ یا ناسلامیسم و فرا خواندن تمام "ملتها" زیر پرچم اسلام در حقیقت به تبلیغ رهبری "مام" و فرا خواندن تمامی دولت های مرتجع زیر پرچم او مشغول است. و بروشنی معلوم است که اسلام در اینجا یعنی رهبری خمینی و هژمونی جمهوری - اسلامی و گرنه ملل اسلامی و مسئولان - کشورهای اسلامی که هم از دولتهای مرتجع منطقه با شند "اسلام" را مدتهاست که پذیرفته اند. ما این وجه از سیاست را در عرصه داخلی نیز دنبال خواهیم کرد. بهر حال آنگونه که تمامی شواهد نشان - میدهد، این نمایش رژیم در سطح جهان و منطقه با ردیگر و را تا شکستی مفتخانه رویرو ساخت "استقبال همه جانبه از هفته وحدت" بخصوص در سطح کشورهای اسلامی را میتوان با "استقبال وسیع" کشورهای منطقه از طرح "جبهه واحد اسلامی ضد صهیونیسم" مقایسه نمود (ما قیاسلا" در این مورد نوشته ایم) علیرغم تمامی تلاشهای تبلیغاتی رژیم حتی یک حمایت و پشتیبانی در سطح بالایی دیپلماتیک کشورهای از این "هفته" صورت نگرفت. نیروهای خارجی شرکت کننده در "هفته" وحدت نیز نه تنها از افرادی بسیار رمعدودی تشکیل میشوند بلکه از نظر حمایت فعال و همچنین سطح مقامات کشوری و حتی مقام مذهبی در سطحی بسیار نازل قرار - داشتند. از طرف دیگر با وجود تبلیغات - کرکننده و دروغین رژیم، تنها می توانم - برگزار شده و کشورهای خارجی بوسیله - دانشجویان فالانژ ایرانی برگزار شده - است (و اینرا اخبار خود رژیم نیز آشکارا - که کمی در آن دقت شود یقینیش نشان - میدهد) بحزرات میتوان گفت هیچ کشور - و یا جنبش آزادیبخشی در مقابل این - نمایش رژیم واکنش مثبت و فعال نشان - نداد. رژیم که آخرین شانس های خود را - جهت جلوگیری از کامل شدن انزوای و کسب هژمونی سیاسی در منطقه می آزما بند اینجا هم با شکست مفتخانه ای روبرو شده است. ۲- زمینه ها و علل داخلی برگزاری "هفته وحدت" از نظر سیاست داخلی در وجه کلی میتوان برگزاری "هفته وحدت" را نمایشی مضحکی جهت یکبار رجعت نشان دادن رژیم و همچنین تظاهر به حمایت از "اهل سنت و دلجوئی" از آن نامید. هر چند که در - در این رابطه اهداف جنبی نیز وجود دارد که به ذکر آن خواهیم پرداخت. رشد تظاهرات داخلی رژیم و شکل گیری سریع جناحهای متخاصم که در تمام خود کل رژیم را در معرض آتش می بینند فشار - خواهد داد و اینکاس و وسع این تظاهرات در سطح توده ها (که ما نمونه های متعدد - آنرا ذکر کرده ایم) رژیم را بر آن داشت تا نمایشی از وحدت را به منتهی آورد. اما - رشد تظاهرات نشان آن است که نمیتوان بزور صدها هفته وحدت نیز آنها را در بیست

برده مخفی کرد. بطوریکه حتی آیت الله منتظری در "هفته" وحدت هم طاقتمت نمی آورد و در پیام خود به همین مناسبت به شدت "افراطیون" و "تندروها" جاهل و "افراد یک بعدی" را مورد حمله قرار میدهد و در عین حال سخن از دستهای "مرموزی" که قصد منسوی کردن روحانیون و ایجاد جوسو، ظن و سنی - اعتمادی به آنان را دارند به میان می آورد. منتظری میگوید: "در برخورد با مسائل جاری... شنیده میشود برادرانی که در صداقت و حجت نبششان شکی نیست نا خودآگاه توجع تا شرکاکاذب و القاذبات مرموزی واقع میشوند که نتیجه ای جز تشدید جوسو، ظن و سنی اعتمادی عمومی و منسوی نمودن افراد متدین اعم از روحانی و غیره... نخواهد بود..." (جمهوری اسلامی ۱۹ دیماه) - و بدین طریق در هفته وحدت در عین - بروردادن تضادهای نفاق حاکم رژیم در شکلی "وحدت شکنانه جناح مخالف" را مورد حمله قرار میدهد. کلا با بدگفت جناح حاکم در عین با لایردن پرچم "وحدت" بخصوص از طریق محور نمودن رهبری سیاسی، مذهبی، خمینی که مسرود - بدیوش جناح حقیقتیست سعی در محکم کردن جای پای خود دارد. از سوی دیگر رژیم در "هفته وحدت" کوشید تا با ردیگر با جنب برخی آخوند های - سرسپرده سنی و تا کید مجدد به برخی - امتیازات داده شده به آنان "وحدت شیعه" و سنی در زیر رهبری خمینی را به نمایش در آورد و از این طریق به کمان خودیسه فریب خلقهای کرد، ترکمن، بلوچ و عرب - بپردازد. البته با توجه داشت این وجه از مسأله هر چند در سطح داخل بیشتر بر آن تکیه میشود اما در رابطه با کل منطقه عمل میکرد. رژیم سعی داشت از این طریق - رهبری خمینی بر تمامی مسلمانان را - تثبیت نماید. اما علیرغم تمامی تبلیغات، بکار - گیری تمامی نیروها، مخارج هنگفت - جهت هرچه با شکر و تبرکزا کردن "وحدت" اما کوچکترین حرکتی که بتوان - از آن به عنوان حمایت مردم از این عمل نام برد و بر حوال آن تبلیغ گردیده نشد. کوچکترین سخنی در این مورد در کارخانجات محلات و در میان توده ها به چشم نمی خورد. فشار عینیات، فشار فقر، گران و بیگاری و آوارگی آنچنان سخت است که توده ها - کوچکترین سخنی از وحدت - وحدت با رژیم - را به مسخره می گیرند. توده ها در تبار خود بخوبی فرا گرفته اند که هر گونه وحدت با عوام و مزدوران رژیم، هر گونه گام در جهت تثبیت و حفظ آن به معنای وحدت با فقر، وحدت با سرکوب، وحدت با گرسنگی و وحدت با جوجه های مرگ است. از اینروست که "توده ها" در "هفته" وحدت رژیم را در محنت تنها نهادند. شکست مفتخانه "هفته" وحدت بخوبی - بیانگر انزوی سیاسی رژیم از نظر - دیپلماتی خارجی و همچنین منغور بودن کامل آن در نزد توده ها است. مسلم است که رژیم دست از این حیلها بر نخواهد داشت و تلاشهای مجددی را به تحسنا - گوناگون شکل خواهد داد اما آنچه بخوبی روشن است آنست که این آخرین تلاشها - است.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

اقدامات جدید وزارت

بقیه از صفحه ۱

لایحه قانونی شوراها و اسلامی کارکنان... مصوب شورای انقلاب آزمایشی و مدت آن برای یکسال بوده است و همچنین به منظور بررسی عملکرد شوراها و اسلامی که بر اساس لایحه مذکور تشکیل شده است "تا تصویب لایحه قانونی آن در مجلس، تشکیل شوراها متوقف شد.

حکم توقف شوراها و اسلامی در شرایطی مطرح شد که رژیم یکسک عواملش در کارخانه ها، دست به انحلال شوراها و مترقی و پیمانایی میزد و پیرسریزه ده زخمیانش "شوراها و اسلامی برپا میکرد. حال، با توجه به اقدامات اخیر وزارت کار، با بدببری شوکه رژیم با این حکم چه سبستی را - تعقیب می کند، اما قبل از پاسخگویی باین مسئله لازم است شوراها را از قیام تا کنون مورد ارزیابی قرار دهیم: شوراها و کارخانه از جمله دستاوردهای طبقه کارگر ایران بوده که همزمان با قیام شوکمنند

۲۲ بهمن بصورت ارگانهای خودجوش و متناسب با شرایط جامعه شکل گرفت و میتوان شوراها را در مقطع قیام بمناسبت ارگانهای اعمال اراده کارگران با توجه به سطح آگاهی آنان در نظر گرفت. در آن شرایط سرمایه داران بزرگ، کارخانه ها را رها کرده و گریخته بودند و اکثر کارخانه ها نیز بدنبال اعتمایات کارگران از کسار افتاده بودند در چنین شرایطی شوراها در برخی کارخانه ها تا حد مدیریت و احدها نیز پیش رفت. کارگران کارخانه ها را متعلق به خود میدادند و با توجه به توهمی که نسبت به کارمندان داشتند خواستار حمایت رژیم از شوراها و... بودند.

اما بتدریج درگیریهای رژیم با شوراها آغاز شد و مقامات رژیم با شوراها از طریق انتصاب مدیران و تحمیل آنان به کارگران از یکسوزدیت آشکارا شوراها را زسوی دیگر متجلی و شوراها با مدیریت و سرمایه داران افزایش یافت اما انرژی توده های حاصل از انقلاب قویتر از آن بود که رژیم براحتی بتواند این ارگانهای اعمال اراده کارگران را درهم شکند و بناچار -

سپاست رژیم در مورد شوراها تغییر کرد. از آنجا که انحلال شوراها امکان پذیر نبود، مسئله بی محتوا کردن شوراها در دستور کار "وزارت سرمایه" قرار گرفت. وجود شوراها پذیرفته شد اما شوراها و مورد نظر رژیم چیزی جزا شده های انجمن های اسلامی نبودند. سپس با تنظیم یک سلسله قوانین، شوراها به بند کشیده شدند و محدودیتهای برای آنان در نظر گرفتند. حال نوبت شورای انقلاب بود که به چنین قوانینی رسمیت ببخشد. قوانین دستبخت شورای انقلاب چهار هدف را تعقیب میکرد:

- ۱- محتوای طبقاتی شوراها را مخدوش میکرد و از نظر طبقاتی کارگران و کارفرمایان را در یک ردیف قرار میداد.
- ۲- بطوریکه مدیریت هم می توانست عضو شورا باشد.
- ۳- اختلافات بین شوراها و کارفرمایان را به نفع کارفرمایان فیصله میداد.
- ۴- شوراها را به زانو زده و همکار مدیریت تبدیل میکرد.
- ۵- افزایش تولید و بهره وری کار را از وظایف اصلی شوراها قرار میداد.

بدین ترتیب، رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی از یکطرف با تنظیم قانون "اختیارات شوراها" و از طرف دیگر با گسیل آیدای خود به کارخانه ها و نفوذ در شوراها و انقلابی

تهاجم گسترده ای بر علیه شوراها آغاز کرد. مبارزه کارگران برای حفظ شوراها و تهاجم رژیم با بدبیش بر علیه شوراها -

متناسب با افت و خیزهای که در روند مبارزات کارگران بروز میکرد به شکل مختلف اقدام داشت. از آغاز سال ۶۰ رژیم مرحله نوینی را در یورش به شوراها پیش گرفت بدین معنی که تحت عنوان "قانونی کردن" شوراها، یکنفر از سوی وزارت کار، یکنفر از سوی انجمن اسلامی تحت حمایت وپاری سپاه پاسداران هر منطقه به

کارخانه ها رفته شوراها را منحل نموده و شوراها و اسلامی تشکیل میدادند و سپس - شورای فوق را "قانونی" میکردند. در این میان مزدوران رژیم معمولاً به کارخانه ها می رفتند و شوراها را زردا شدند و تحت کنترل انجمن های اسلامی بودند و مراجه نمی کردند و همچنین رفتن به کارخانه ها را که - شوراها و اسلامی انقلابی داشتند به تعویق می انداختند تا پس از درهم شکستن شوراها

پیمانایی وضعیتر، شوراها و انقلابی را به محاصره خود در آورده و مقامات آنان را درهم شکنند. بعد از وقایع ۳۰ خرداد عملکردها در انقلاب حاکم عبارت از تشدید همین سیاست بود و مزدوران رژیم به زور سر نیزه پاسداران، شوراها را منحل اعلام

نموده و در برخی موارد پیمانگان - کارگران را دستگیر میکردند. در انتخابات فرمایشی که جهت تشکیل شوراها به اجرا در می آمدند و باطلی برای کارکنانهای نمایندگی گذاشته میشدند اما در نهایت حق وتوی نهائی را انجمن های اسلامی در این رابطه داشت و در اکثر موارد کسی جز ایادی رژیم برای کارکنان شوراها باقی نمی ماند، اما عکس العمل کارگران بدین صورت بود که در انتخابات فرمایشی تمایلی به شرکت نشان نمیدادند و با نوشتن شعارهای بر روی کارت های - انتخاباتی، مخالفت خود را نشان -

میدادند. و مزدوران نیز جهت شناسایی کارگران انتخابات را غیر مخفی میکردند. اما رژیم علی رغم تمام تلاش خود نتوانست این برنا مه را در کلیه کارخانه ها به اجرا در آورد و در این حال میتوان گفت که وجه غالب شوراها و کثونی کارخانه ها فاقد مضمون انقلابی بود.

چرا تشکیل شوراها متوقف شد؟

وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی میگوید: "اولاً مصوبه شورای انقلاب برای یکسال اعتبار داشت، ثانیاً "میبایست عملکرد چنین شوراها و مورد بررسی قرار گیرد تا مجلس بتواند لایحه آت را تصویب نماید.

(۱۰/۴) کیهان) و از این احکام نتیجه می گیرید که تشکیل شوراها از این به بعد ممنوع خواهد بود. تا قانون آن تهیه و تصویب شود. و در روز بعد در تاریخ ۱۰/۶ (کیهان)، روابط عمومی وزارت کار طبق اطلاعیه ای خطاب به شوراها، انجمن ها و مدیران از آنها میخواست که "قبل از هر گونه اقدامی در مورد مسائل کاروکارگری به ادارات این وزارتخانه مراجعه و هماهنگی لازم را بعمل آورند. و پس از این اطلاعیه در واقع "نحوه عملکرد" شوراها و کارخانه ها را محدود به نظر وزارت کار کرده و در پرتو فتاوی روی این مسئله به حدی پیش میرود که عدول از این اطلاعیه را مستوجب "پیگرداد استانی کل انقلاب"

میدانند. ده روز بعد در تاریخ ۱۵/۱۶ (کیهان) وزیر کار اعلام می کند "شوراها و اسلامی به ثبت رسیده تا پایان دوره نمایندگی قانونی بوده و عهد و روظایف قانونی خودخواهند بود. وزیر کار در روظایف این نهادها می دهد که ما شوراها را منحل نکردیم بلکه

جلوی تشکیل شوراها و جدیداً اگر تمام ما در حقیقت اگر شوراها را که به ثبت رسیده منحل نکنند پس از پایان دوره نمایندگی خود بخود شوراها از بین خواهند رفت. و از آنجا که دوره های نمایندگی شوراها همگی یکسان نمی باشد، به ترتیب آرام آرام شوراها و کارخانه ها برچیده خواهند شد، تا با صلاح "مجلس اسلامی" قانون شوراها و تشکیل آنها را تصویب نماید.

بدین ترتیب طرح رژیم تکمیل میشود. ابتدا جلوگیری از تشکیل شوراها و جدیداً سپس کنترل شدید عملکرد شوراها و باقی مانده، و ارتقاء پیمان هر دوره تمامیتدگی یعنی پایان حیات شوراها و موجود.

ما بیش از این پیرامون ۲ اطلاعیه فوق وضو و نقیض ها و حیل گریه های رژیم سخن نگفته و به اصل مطلب یعنی علل مشخص این اقدامات می پردازیم.

اما قبل از بررسی علل اقدامات اخیر وزارت کار، لازم است نکته ای را در رابطه با شوراها و فرمایشی موجود در کارخانه ها که تعدادشان هم کم نیست ذکر نمایم - هماکنون در کشور "همه با رها گفته ایم، ما به هیچوجه اینگونه شوراها را نماندیم تا سیاست ما در قبال این شوراها، افشا و -

شوراها، برای رسیدن به شوراها و انقلابی تلاش می نمایم، لکن در این مقاله اگر اقدامات اخیر وزارت کار را در رابطه با شوراها بطور کلی افشا نموده ایم، به هیچوجه نباید به معنی تاخیر شوراها و فرمایشی تلقی کرد. با در چگونگی برخورد با این شوراها تجدید نظری را سبب شود. ما صرفاً "میخواهیم نشان دهیم که رژیم جمهوری اسلامی اگر قادر باشد اگر شرایط عمومی جامعه او را زده ها با "بساط حضور شوراها، بعنوان یک ارگان تشکل توده ای را برخواهد چید.

اینک مهمترین عواملی که رژیم را وادار به چنین اقداماتی در شرایط کنونی نموده است بر می شماریم.

۱- ترغیب سرمایه گذاری در صنایع: کمتر کسی از سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را میتوان یافت که در یکی دو - ماه اخیر، تا کیدرشی تضمین امنیت سرمایه و تشویق جهت سرمایه گذاری، -

با لایح صنایع نشان داده شد. صحبت های - رفسنجائی در نامه جمعه، سخنان خان منته - ای رئیس جمهوری موسوی نخست وزیر و... بیان نگرسیاست دولت در این زمینه است و رژیم تلاش میکند تا با اعمال چنین سیاست های از فشار بر بحران اقتصادی بگذارد. از آنجا که رژیم بخوبی میداند

سرمایه های گریزان از صنایع بیش از هر چیز به داشتن امنیت نیاز دارند و از آنجا که رژیم میداند یکی از وجوه عمده نبودن امنیت برای سرمایه، مبارزات حق -

طلبانه کارگران و اعمال کنترل کارگری بر تولید از طریق شوراها بوده است، و سرمایه داران و مدیران، اولین مانع بهره کشی از کارگران در محیط کار را شوراها میداند. لذا با این یورش جدید، تولیدات شوراها را به سرمایه داران میدهد و خود میگوید تا حد امکان راه را برای بهره کشی راحت و بی دردسرهاوار نماید. اینست رابطه توقف تشکیل شوراها

با بزنا مه های اقتصادی رژیم. ۲- ترس از واچگیری مبارزات - کارگری - رژیم با یورش همه جا نبه خود پس از ۳۰ خرداد، ضربات سنگینی بر پیکر جنبش کارگری وارد نمود. در این دوره - توانست علاوه بر دستگیری، اعدام و

بقیه در صفحه ۱۰

اقدامات جدید وزارت

شماره پنجم ۹

اجرای بحتی از کارگران بشرو، تشکیل - های کارگری را نیز به حدسنا "ریادی از هم نیاید و نه این ترتیب اقی هر چند موفق برجست کارگری حاکم گرداند - شوراهای کارگری و نمایندگان و انجمنی کارگران در این دوره آماج حملات رژیم بودند. اما با رژیم می توانستیم مبارزاتی را بیکرنگود - بی کشاند؟ می توان قاطعانه پاسخ منفی داد. زیرا آنچه در این یکی دو ماه اخیر در جنبش کارگری اتفاق افتاد، هشدارهایی جدی به رژیم بود. راهبمانی و جمع ده هزار کارگر با اسواال، عمل مستقیم و انقلابی کارگران توانا زکا را اتحاد - کارگران اسار لایت و غیره، در شرایط حقیقت حاکم، با داورضیه های بیستین کارگران بر رژیم دیکتاتوری شاه در دوره تمام بود. و در این نیز با توجه به فقر و فلاکت فزاینده و کسودا رزاق عمومی و بی مسکنی و غیره طلبیده های گسترش سراسری جنبش کارگری را حتم منجورد. رژیم برای اینکسری آن تان تلاش میکند. از جمله این اقدامات است که از هم اکنون - راهبهای شکل کارگران را استند، زیرا کارگران بدون شکل راجتی نمیتوان سرکوب کرد. رژیم، هم اکنون جلوی تشکیل شوراهای کارگری را در این دوره و اولین - کامیابی او جکسری سراسری مبارزات طبقه کارگر، کارگران بنوا بند شوراهای انقلابی خود را جفا طریق انحلال شوراهای ضرابانی و بنو بنو مستقیم بجا ندما بند. زیرا شوراهای انقلابی به مثابه ارگان اعمال اراده بیرون تاربا، ارگان کنترل کارگری بر سولیدو... می باشد.

۳- مقابله کارگران با انتخابات اجباری: مزدوران رژیم هر چند در این دوره توانستند در اغلب کارخانه ها شوراهای مورد نظر خود را با درهم کسستن شوراهای مترقی کارگران ایجاد نمایند. اما - واقعیت این است که نه تنها این حرکات راجتی انجام ندادند بلکه با اعمال شیوه های ضد کارگری خود ما هیست رژیم را جرحه سسری برای کارگران عیان ساخته بدین جهت کارگران رعیتی سه شرکت در انتخابات اجباری اینگونه شوراهای نداشتند. اگر نپدید نه اخراج و دستگیری نبود اگر سهدیده کس حقوق و مزایا و غیره در کار رنیز بود با لایحه گرسوزیه در خیما و وجود نداشت بحرات میتوان گفت که کارگران حاضر به شرکت در چنین انتخاباتی نبودند. اما علیرغم همه این فشارها مسئله انتخابات شوراهای جدید اسلامی خود را زحله مواردی بود که در کارخانه های گوناگون کارگاهار با به مبارزه رو - در رومی کشاند و حتی مزدوران رژیم موفق به اجرای برنامه های خود نمی شدند. - کارگران نیز که نماینده واقعی خود را در ایند و شوراهای منتخب خودشان را منحل شده میدیدند طبیعی بود که رغبتی به این انتخابات نداشتن نشان ندهند. ما قیلا نمونه هایی از این موارد را در کارگران در کمره - و بعد از این نیز نمونه های دیگری خواهیم آورد. به این ترتیب مقابله کارگران با انتخابات اجباری درون کارخانه ها بخصوص از این به بعد میتوانست یکی از مواردی باشد که درگیری های کاروسرما به رادشت بخشد. از این رو رژیم جمهوری اسلامی می کشید که یکبار برای همیشه جلوی این انگیزه - مبارزاتی را گرفته و بی جهت به خرمن آماده اشغال کارگران چرخه نیافکنند.

دیگر نماینده های وزارت کار، نماینده ای از انجمنهای منقورا اسلامی بهمهارد - ما با یادارار به کارخانه ها نفرستند و بر سر تشکیل شوراهای جدید، تحلل فدایی - ها مسئله نیافریند و موجب به مبارزه - کتا نه ندن کارگران نگردد.

۴- عدم توانایی در کنترل کامل شوراهای اسلامی: این نکته از جمله سوزدی است که توجه به آن در - و یکی برخورد با شوراهای فرمایتی در شرایط گونی اهمیت زیادی دارد. سؤال این است که آیا - شوراهای اسلامی تا کنون تشکیل شده اند، و تمام موارد توانسته اند با رژیم را در خود جای دهند، یا این شوراهای - که مل تحت تسلط جیره خواران رژیم - بودند؟ واقعیت عینی نشان میدهد که پاسخ این سؤال منفی است. رژیم در کنترل خود توانسته شوراهای را از محسوی حالی نماید. هر چند که با بورش هند خاسته خود به انقلاب توانسته شوراهای را در کنترل خود در اختیار بگیرد اما هنوز نتوانسته و بطور کامل در این زمینه موفق نبوده است. بوده اند کارخانه ها شبکه با او جکسری مبارزات بحق کارگران، درون نمایندگان "شورای اسلامی" اختلاف بروز کرده و شوراهای آنها سادکننده مبارزات کارگران نبوده - بلکه حتی از آن نیز مستقیم یا غیر مستقیم به کارگران کمک نموده و جبهه بنو بند شوراهای مترقی از کارگران برادر خاسته است. علت بره رژیم وضعی را در جگونگی ایجاد و نحوه فعالیت جاری این شوراهای - است. جسته کرد. هر چند این شوراهای - بر سر سوزیه با سادار - موجود آمده اند. هر چند ضوابط اسلامی و غیره برای راهبایی به آن گذاشته ما بعد ما بدو اصل تمام نمایندگان که به آن راه می باشد انرا ما "زیمه های سرسوزیه رژیم" است. اولاً بخاطر انتخابی نبودن کامل این شوراهای که امکان نفوذ ار با شن در آنها وجود دارد. هر چند هم که معتقد باشد - تو معدا اندها سده هف ما - سن دادن بشرد ما رزه توسط این شوراهای نیست بلکه عدم امکان کنترل کامل رژیم بر این شوراهای را می خواهیم نشان دهیم. دوما "ما حیت وجودی شوراهای - ی کارخانه که تشکیل مجمع عمومی و تجدید انتخابات را می طلبد. این دو نکته یعنی اولی امکان مواخذه نمایندگان توسط کارگران و دومی امکان شعوبتی نمایندگان را هر چند دوره ای نیز می باشد عملی میباشد که خود در جهت شکل ساختن کنترل کامل رژیم بر این شوراهای است. از اینها که بگذریم اختلافات درون - هیئت حاکمه که خود به نحوی با بحران عمومی جامعه در ارتباط می باشد در این شوراهای انعکاس می یابد. این نکته است حتی در مورد انجمن اسلامی در گذشته نیز اتفاق افتاده بود بدین ترتیب که تعدادی از انجمن های اسلامی کارخانه به سمت لیسرا لیا گرایش پیدا کرده و عملا - از زائده های حزب جمهوری اسلامی خارج و سیاستهای حزب را درون کارخانه ها پیش نمی بردند. اکنون همین مسئله شیوعی در مورد انجمن های اسلامی محدد "بروز کرده است. منتها این بار تضاد بین دارودسته حزب جمهوری و انجمن حجتیه می باشد. و از آنجا که انجمن های اسلامی "شوراهای اسلامی" کارخانه را بنطه نزدیک دارند حتی راجتی موارد تعدادی از اعضای شوراهای را نیز تشکیل میدهند این اختلافات - اکنون درون شوراهای و در برخورد آنها با مدیریت دولتی نیز بصورت عملگردهای متفاوت خود را نشان میدهد. البته این مسئله تا زگی نداشتن بلکه در گذشته بدلیل عدم بودن سازمانها در اینها ن گشته بود. مثلا در کارخانه دواب آهن امقان در حدود

۸ ماه پیش وقتی ایامی رژیم می خواهند ضوابط برای تعیین نمایندگان تهیه کنند در یکی از بندها قیدی کشند که "عضو انجمن فدیه ثابت نبوده باشد" بهر حال هدف از ذکر این موارد نشان دادن عدم توانایی همه جا به رژیم در کنترل شوراهای است. و مواردی را که بر - سردیم از جمله عوامل اصلی است که رژیم را وادار می کند تا یورش جدید خود را به شوراهای آنها نماید.

اکنون که هر روز در آنها تن از بهترین فرزندان خلق به جوخه های اعدام سپرده می شوند و رژیم بدخلقی خیمنی نه جسم گسترده ای را علیه خلق آغا ز کرده است آیا بهترین فرصت برای تمام کردن خیمه - شب بازی "قانونی کردن" اسلامی کردن شوراهای نیست؟ آیا برای خدا انقلاب حاکم اکنون بهترین شرایط برای برداشتن گامهای اساسی در جهت نفی کامل شوراهای نیست؟

کچه ممکن است از جانب رژیم به ما این اقدام وزارت کار یعنی توقف تشکیل شوراهای اسلامی، به معنی عقب نشینی رژیم در محل کردن تعداد زیادی از شوراهای کارخانه و ایجاد شوراهای - فرمایتی و غیره و تفسیرشودا ما واقعیت اینست که این اقدام، تنها جمعدیدی جهت برجیدن کامل شوراهای بعنوان یک ارگان شکل نموده ای و محوکا مل شوراهای از کارخانه می باشد.

البته وزیر کار میگوید که بعد از تصویب لایحه قانونی در مجلس، شوراهای مجددا شکل خواهند گرفت. اما همچنانکه حدود یکسال و نیم است که این لایحه در مجلس مانده است، بعد از این نیز خواهد ماند. اکنون که رژیم درگیر بحرانهای حاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی است - اکنون که رژیم بیایگا توده های خود را بعد وسیعی از دست داده است و اکنون که خطر فلاکت و قحطی از یک طرف و احتمال خیزش - های وسیع توده های آتی از طرف دیگر زمان سرنگونی این رژیم را هر چه نزدیکتر می کند، مجلس شورای اسلامی اینبار نیز لایحه قانونی شوراهای را بفراموشی خواهد سپرد. تا تکلیف خود را با این اساسی ترین مشکل خویش روشن نماید. اگر چنین شد، اگر رژیم توانست گرینا خود را از بحرانهای متعدد موجود درها سازد، با زهم وجود شوراهای کارخانه ها به بعنوان یک ارگان شکل توده ای پذیرا نخواهد شد. مگر اینکه همه ما بطوریکه گفتیم تنها سبب قوامی طبقاتی رژیم را به بیدیش آن - وادارد. هر چله ای که اکنون آغا ز شده تعرض جدیدی در جهت برجیدن کامل شوراهای کارخانه است رژیم جمهوری - اسلامی میکوشد تا این فرصت را از دست ندهد!

وظائف کارگران پیشرو

برای اینکه وظیفه کارگران پیشرو در رابطه با اقدامات اخیر وزارت کار و شوراهای کارخانه مشخص گردد، لازم است به نقش شکلهای علنی در پیشبرد مبارزات کارگری در شرایط کنونی اشاره - ای شود. البته این مسئله به میحسث کلی تری در رابطه با وضعیت عمومی - اشکال مبارزه در جنبش کارگری تا کنون پیشرو در قبال آن مربوط است، اما از آنجا که پاسخ به آن خود موضوع مقالات - دیگری است، در اینجا کافی است اشاره کنیم آنچه زیمه های یکسال گذشته تا کنون می توان دید متناوب یا گسترش فشار و اختناق در سطح جامعه، کاهش تدریجی اشکال علنی مبارزه کارگران در روند مبارزه طبقه -



بررسی اشکال مقاومت و مبارزه توده‌ها

- آبان و آذر ۶۰ -

در دو ماه آبان و آذر، خیزشهای توبیتی در مبارزات توده‌ها و بویژه کارگران دیده میشود. غلبان خشم و نفرت توده‌ها در کارخانجات، مصفاها، مدارس و روستاها نمودهای آشکاری یافته است. ابتدای به ذکر نمونه‌های مقاومت و مبارزه توده‌ها میپردازیم. ارائه نمونه‌های برگزیده حرکات حتمی توده‌ای را بنا آوردن بخشها - بی‌از علامنه انجمن اسلامی ایران - ناسیونال شروع میکنیم. اقرار صریح مزدوران جنایتکار رژیم به وجود کم کاری و مزمنه اعتبار در کارخانجات پدید آمده‌ای فوق العاده بر معنی است که به واضح ترین صورتی نشانگر پیشروی جنبش انقلابی است. و از ارتفاع این مبارزات به درجسات عالیتر سخن میگوید.

از علامنه انجمن اسلامی ایران ناسیونال
۶۰/۹/۱۶

... اصولاً دلیل اصلی صدور چنین بخشنامه‌ای به این علت بوده است که اخیراً کارگران بسیاری از واحدهای تولیدی - جهت رفع تبعیض مادی بین خود و کارگران ایران ناسیونال خواستار گرفتن سهمیه از تولیدات خود بودند... در بعضی موارد نظیر مزد اصرار بر این موضوع منجر به کم کاری شده است... سازمان صنایع ملی ایران جهت رفع تبعیض و جلوگیری از اعتبار در سایر کارخانجات که مزمنه آن گاهی به کوشش میرسد تصمیم گرفت

مناسفانه پس از صدور این بخشنامه در ایران ناسیونال کم کاری‌های مشاهده شده است (تاکیدات آزمایش)

نشریه کار: آبانماه، کارگران - بنی سلبین تولید آروما بنده تحمیلی شورا را نیز پذیرفته و بنا بنده دیگری از قسمتشان انتخاب نمودند... کارگران یکی از بخشهای مهمات سازی بعلت حذف کاندیداهای مورد تأیید خود از کاندیدات شورای فرمایشی در انتخابات شرکت نکردند... (کار ۱۳۴)

آبانماه - کارگران استار لایت در اعتراض به اخراج ۶ تن از همکاران - مبارزانشان دست به اعتصاب زدند... کارکنان یک آزمایشگاه در پارچین در اعتراض به حذف ۳ کاندیدای خود بسا شرکت نکردن در انتخابات و با دادن رای سفید یا انتخابات فلابی به مقابله - برخاستند... کارگران مسنود را انتخاب نماینده برای بررسی طبقه بندی مشاغل با ایستادگی در مقابل حزب الهی - موفق شدند یک نماینده از خودشان بفرستند... (کار ۱۳۸)

کار برای اخراج مدیرعامل و عتبات صبر - کارگران به دست به اعتصاب زدند... (کار ۱۳۹) - تشییع کارگر شهید در کرج... راهپیمایی بیگاران کرج در مقابل اداره کارایی (کار ۱۴۰)

آذرماه - اعتصاب گسترده کارگران - مبارز کارخانه ایران ناسیونال میتوانند سرفصلی نوین در مبارزات کارگران و

آغازی شکوه مندی انقلابی باشد که... (کار ۱۴۰) - شرکت آدمیرال در شیراز - ۲ ماه بیشتر است برای اضافه دستزد دست به اعتصاب زده است و هنوز در حال اعتصابند. (کار ۱۴۱)

۹/۱۷ - کارگران کارخانه دیلیان - برای اخراج یک عنصر ضد کارگری یکبارچه متحصن می‌نمودند و مصرا تها خواها ن اخراج وی می‌شوند... عجلت ندا و متحصن مدیرعامل مشکل کارخانه را تعطیل می‌کنند و روز بعد عده - زیادی از کارگران را اخراج می‌کنند.

۹/۱۱ - کارگران یکی از کارخانجات تهران در اعتراض به قطع گوشت از بازار عدم پرداخت حق سختی کار، زیاد شدن سرعت خطوط تولید و فشار کار شروع به کم کاری می‌کنند. این عمل باعث وحشت مسئولین میشود. کم کاری به سرعت اکثر بخشهای کارخانه را فرا میگیرد. کارگران مدیریت را در صورت عدم احراز خواستها نشان - تهدید به اعتصاب می‌کنند.

در گزارشی از شرکت واحد آمده است "کم کاری با مهمه چشم میخورد و تعمیرات اتوبوسها هم بعلت نبود قطعات ضروری و هم بواسطه کم کاری کارگران دچار وقفه و رکود نسبی شده است"

در گزارشی از ایستگاه تهران آمده است کم کاری در تمام قسمت‌ها شنیدنا به چشم میخورد، بچه‌ها دست به کاری برسد - در یکی از ایستگاهها انجمن اسلامی

کارگران را به انتخاب نماینده برای فرستادن پیش وزیر دعوت می‌کنند اکثریت کارگران بجز ۳۳ نفر این استیفات را فعلاً نه تحریم می‌کنند. کارگران بسدون توجه به انتخابات با جمع کردن اعضاء خودشان مستقالاً نماینده‌ای انتخاب می‌کنند. دو پاسدار برای دستگیری جمع - کنندگان اعضاء به یکی از قسمتها بیرون کارگران یکبارچه جلوگیری از این عمل شنیدنا پاسداران عقب‌نشینی می‌کنند.

آبانماه - تحریم فروتنی طرح از طرف دهقانان و مقاومت یکبارچه آنان در مقابل دولت (مردم چه میگویند) نشریه کار

آبانماه - مردم روستای خمیران (انزلی) انتخابات فرمایشی شورا را تحریم - می‌کنند (کار ۱۳۹)

آذرماه - درزنگ تفریح در دبیرستان دخترانه آذر تعداد زیادی از دانش آموزان در راهرو دبیرستان تنگ هم می‌ایستند، وصف فشرده‌ای تشکیل می‌دهند. مدیر - دبیرستان وضع را مشکوک می‌بیند از شاگردان می‌خواهد بپراکنده شوند و می‌پسند که پشت آنها پرازا علامه و شاعر است - عصیان می‌شود و میگوید با ملین آنرا معرفی کنید ما بعد از مدتی ۴۰۰ نفر از دانش آموزان خود را معرفی می‌کنند که "همه ما بوده ایم" - در مدرسه ولی الله نصر دانش آموزان یک کلاس شاگردی را که بخاطر بخش اعلامیه

قرار بوده توسط پاسداران بازداشت شود در میان خود می‌گیرند و از دستگیری وی جلوگیری می‌کنند.

در تشییع جنازه یک افسر ۱۰۰۰ نفر - جلوی مسجد جمع می‌شوند، پاسداری از پشت بلندگوار مردم میخوابد و هدش را بدهند "الله واکبر، خمینی رهبر" بجز ۲۰ الی ۳۰ نفر بقیه ساکت می‌مانند. پاسدار پس از چند بار تکرار داد میزند "پس چرا ایستاده‌اید یا شعار بدهید یا گورتان را کم کنید صد انقلابها" مردم ساکت اورانگاه می‌کنند. پاسدار میگوید "یا شعار بدهید یا اگر اینها بنامند دستگیر می‌شوند" مردم همه متفرق می‌شوند یک نفر در حال رفتن میگوید "بروندگوشان را کم کنند برای کنی وحی شعار بدهیم زور که نیست" - ۸/۲۰ - یافت آمان تهران - تاکسون

شهرداری ناحیه ۱۸ توسط پاسداران مسنود در شهرداری چندین بار به کوی طالقانی و شهرک صاحب الزمان واقع در مشیرجاده یافت آمان حمله کرده است تا خانه‌های ناشی را که جدیداً ساخته شده خراب کند. بعد از خراب کردن چند خانه مردم محله کسوی طالقانی متحداً "به سوی ماشین‌های جیب شهرداری و پاسداران حمله کردند که پاسداران فرار نمودند. درسی اسن مساله‌های به شهرداری ناحیه ۱۸ هجوم بردند و یا شعار "مرگ بر شهردار" خواستار بیرون آمدن وی شدند. شهردار از ترس آفتابی نشد. پاسداران وحشت زده بسنه زحمتکشان قول میدهند که شهردار را محارفات کنند و شهردار هم میگوید تفصیلاً من نیست شهرداری مرکز دستور داده است اما مردم قریب نمی‌خورند و خواستار خسارت میشوند، پاسداران با قول دادن خسارت وارده مردم را راهی می‌کنند.

او آخر آذرماه - "برق آلتوم آلتوم" گرفته بود. بعد از مدتی پاسدارها آمدند مردم تنگ هم ایستاده بودند و نگاه میکردند بدون آنکه به پاسداران راه عبور بدهند. حسابی بهم چسبیده بودند و راه نمی‌دادند. بالاخره پاسدارها با زور راه را باز کردند، اولین سری ماشین‌های آتش نشانی پشت چراغ قرمز گیر کرده بود هر چه از پشت بلند گو فریاد میزدند راه را باز نکنید ما شینما اصلاً توجه نمی‌کردند. انگار نمه به انسن

طریق میخوابستند به دولت دهن کی کند" آذرماه - در یکی از تعمیرگاهها واحد کارگران یکی از اعضای منفور انجمن اسلامی را شنیدنا کتک می‌زنند، چند پاسدار بسنه تعمیرگاه می‌آیند و می‌پرسند "چه کسی کتک زده است" کارگران همگی با هم جواب - میدهند "ما زدیم، ما از این شخص بدمان می‌آید و اقبال نداریم یکی از پاسداران خطاب به کارگران می‌گوید "مانه از آمریکا می‌ترسیم نه از خراج و نه از داخل فقط از شما کارگران می‌ترسیم، شما فقط به فکر شکم هستید"

خیابان حی تهران - کسانی که در صف گوشت بودند اکثر "خرده بورژوازی فقیر بودند که جا درهای گلد را بر سر داشتند. چند نفر در مورد کیفیت گوشت صحبت می‌کردند - بعد از مدتی زنی گفت "اگر همه اعتراض کنند دیگه این وضع پیش نمیداد" یکی دیگر گفت "اگر یک نفر داش در بیا دهه خفه اش می‌کنند و خودش بجای پشتیبانی، گوشت

بقیه در صفحه ۱۲

استقلال - کار - مسکن - آزادی

پرسی اشکال مقاومت ومبارزه...

بقیه از صفحه ۱۱

آشغال او را با کمال میل می قاپند زن دیگری که کمی مسن بود گفت "بخدا اگبر امروز گوشت آشغال بدهند پس مندهم اولی گفت "با بده همه اینکارا بکنند شما بشقدم شوبدمامدنیالتور" ساعت ۹ قصاب و ما مورکمینه آمدند... قرار قبلی زن سویی وقتی نوشتی رسید گوشت را پس داد و بعد از جروبحث با قصاب بدون گوشت بیرون آمد. بقیه همه از او ادا را کردند و گفتند "اگر همه گوشت خوب ندهی هیچکس گوشت نمی کید و نمی کدایم به هیچکس دیگر هم ندهی" ایستادگی و مقاومت زنهای با عت شد ما مورکمینه از قصاب بخواهند گوشت خوب به همه بدهد. روز بعد کمیت روی شیشه تمامی اطلاعاتی که در آنجا بود که از این به بعد با بداهت از همه قسمت های گوشت به مشتریها داده شود.

صف مرغ: طبق معمول صف مرغ شلوغ بود بعد از کربخ فروش مرغ متوقف شد. ما مورکمینه گفت "مرغ تمام شده است" زنهای اعتراض کردند ما مورکمینه روی حرف خود ایستاد که "مرغ نیست" یکی از زنهای سا قیافه رنجیده ای گفت "چطور تا وقتی تلفن نشده بود مرغها تمام نشده بودند ما وقتی تلفن شد مرغها تمام شد" بعد از مدتی عده ای از زنهای ما آمدند و گفتند "اگر شربت آنها که باقی مانده بودند با وجود مخالفت فروشنده به منازعه هجوم بردند و تعدادی از دست منازعه درآوردند و به بین خود تقسیم کردند.

صف مرغ: آذرماه - حدود ۳۰ نفر از صبح داخل صف بودند ما مورکمینه گفت "مرغ نداریم برگردید به خانه هایتان" زنی در جواب گفت "آن مرغهایی که برای ما اقوام بیهان کردی بیرون بیاور شما همه در ده دستت و حق ما را می خورید. اسم خودتان را هم با ساداران انقلاب گذاشته اید از اینجا نمی رویم هر غلطی خواستید بکنید یا مرغ بدهید یا ما تا ثابت اینجا می نشینیم" زن دیگری گفت "خانم راست می گویند امروز کسی به خانه اش نرود همه اینجا بمانند ما با بدبختی با لاجرم روزی به اینهاشان بدهیم یک من دوغ چقدر کره میدهد" زنهای همه تا شکر کردند. ما مورکمینه شروع به فحاشی کرد ما زنهای جلوی او ایستادند زن بیبری با عصا نیت میگفت "پدر سوخته" های از خدایی خبر، دزدهای بی شرف. کور بدتران با این انقلابستان، می گویند ما برای نان و گوشت انقلاب نکرده ایم در حالیکه چرا برای نان و گوشت انقلاب کرده ایم" و خطاب به زنهای میگفت "اگبر غیرت دارین گدبه خانه تان نروید" همه اعتراض می کردند و رژیم را به با دفعش گرفته بودند ما مورکمینه فرار می کند و زنهای ما با عت ۳ بعد از ظهر در جلوی دکان مرغ فروشی بست می نشینند.

۹/۱۶ - ساعت ۹ صبح است مردم از اینکه صف به جلوی می رود شدیدا "معتراض هستند بعد از مدتی اعتراض یکدفعه بداخل مرغ فروشی هجوم می برند آنقدر سروصدا بود که مدای کسی شنیده نمی شد. جروبحث بین ما مورکمینه و یکی از زنهای با لاکر رفت زن می گفت "بدبختان کردید برای هر

چیزی با بدکلی توهین گوش کنیم، من تا مرغ را نگیرم از اینجا نمی روم از توواز - هیچکس هم نمی ترسم، از پس مردم ساکتند ما ندانستیم ها هر کاری که میخواستند کرد باید "زنهای از حمایت کردند و همه گفتند تا مرغمان را نگیریم نمی رویم. با ساداران چشم مردم ترسید و از منازعه بیرون رفت مردم بتدریج خودشان صف تشکیل دادند و شروع به گرفتن مرغ کردند.

۸/۱۴ - رودسر - مینی بوس داران خط رودسر به روستاهای منطقه به دلیل نبودن روغن موتور اعتصاب می کنند... ۸/۲۵ - رودسر: کامیونداران رودسر از حمل برنج خودداری می کنند و دست یاز اعتصاب می زنند فرماندار رودسر با آوردن کامیونهای دیگری اعتصاب را می شکند.... (کار ۱۳۸)

با توجه به گزارشات متعددی که دریافت کرده ایم، میتوان گفت تحریم به طرق گوناگون در محیط کنونی گسترده تر روش مبارزاتی است که اقشار و طبقات خلقی آنرا یکا می گیرند. تحریم متینگها و راهبیمیاها، تحریم سخنرانیها و مراسم نماز، تحریم و طرد خاوسان انجمن اسلامیها، تحریم بخشنامه های رژیم (خصوصی در کارخانجات) تحریم ورزشی و سروصداها و بخصوص تحریم انتخابات فرمایشی، اما بهر صورت اقشار و طبقات مختلف در مبارزه با سطوح متفاوتی - برخورد دارند. در شرایطیکه کارگران کسم کاری و اعتصاب را در دستور قرار داده اند کارمندان تنها تحریم منقل (یعنی شریک در مراسم اما با خنده و جرت زدن) را به تحریم فعال (شرکت نکردن ارتقا) داده اند. هر چند اعتصاب در کارخانجات هنوز پراکنده است اما کم کاری بسوخت رو به افزایش و گسترش می باشد.

حرکات مبارزاتی در این مقطع عموماً با خواست های اقتصادی - آنهم اکثری جزئی - آغاز میشود. که با سرعتی قابل توجه ارتقا می یابد و در مواردی نیز به خواست های سیاسی تبدیل میگردد (کسم البته محدود است). انجمن انجمن اسلامی - جلوگیری از اخراج - آزادی زندانیان سیاسی، آنگونه که مجموع گزارشات ما نشان میدهد خواست های است که از بردزبادی در میان توده ها برخورد راست (کارخانجات، ادارات و مدارس) اما در سطح اقشار رزحمتکش شهری با توجه به موارد متعدد اعتراضات و حرکت های توده ای که از صف ها گزارش میگردد، خلق بدبختی رژیمونها ده های فرمایشی از توزیع ما یحتاج - که میتوان دیدست گیری مستقل توزیع آزادی توده ها ارتقا - یا بد - در محور حرکات و تجمعات قرار دارد. که میتوان این خواست را به نطفه ای جهت ایجاد تشکلهای توده ای در محلات بدل ساخت.

صفت مشخصه تمامی حرکات خود انگیختگی و تا دم خود بخودی آنهاست. حرکات عمدتاً ناگهانی شروع میشوند. بی برنامها اما به می یابند و در کوتاه مدت قطع میشوند. در این رابطه با بدبختی دو ساله توجه کردی نمود اول عدم حضور فعال پیشرو که در تمامی این حرکات نیاز است (مادراین مورد در ارزیابی ذهنیات توده ها در آبان و آذر - ماه ۶۰ سخن گفته ایم) و دوم وضعیت عینی حاکم بر جامعه که بر شبحران اقتصادی

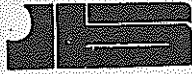
بقیه از صفحه ۱۷
اهسوار - ۶۰/۸/۲۸: رژیم های وهوی زیادی برای جلوگیری از احتکار روگردان فروشی برآه انداختند و اما در کعبه - محترکین مبارزه میکنند ولی گزارش سرسام آورگالاه دربار از خود شاهد عینی دروغ - گوئی رژیم می باشد. رژیم برای جلوگیری دروغین از افزایش سرسام آور قیمت ها فقط به بساط طپها و دکهدارها دستفروشیها فشار وارد می کند و محترکین مکتبی آزادانه و قنارغ الببال با نفوذ در کمیته ها و ارگانها و نهاد های با اصطلاح انقلابی، به کار خویش ادا می دهند. به نمونه ای از اقدامات رژیم برای جلوگیری از گران فروشی و دفاع از حق مردم!؟ اشاره می کنیم: در دروازه آهواز منتظر تا کسی بومد، یکدفعه جلوی رویم جانی که جنگزدگان را و دستفروشیها بسته بهین کرده و از سیگار روسیزی تا با قلابی بسته و آدامس و غیره می فروشد شلوغ شد. در وسط شلوغی چشم به بیگان نخودی رنگ بدون نمره خورد. با سادارانی با گلت در دست و لباس شخصی سعی می کردند مردم را از ماشین دور کنند همینطور که جلوی رفتن چهره خشم آلود بیض گرفته جوان هفده، هجده ساله ای را دیدیم که با هیگلی و زربزه دودستی در عقب بیگان را گرفته بود. با ساداری از همان در پیاده شد و بقیه او را گرفت و میگفت برو، و بسرک با بیض می گفت سگ را هر یار بدهید. به داخل ماشین روی صندلی نگاه کردم. در صندلی عفت حدود ده جعبه سیگار دیدیم. دور ما شین را آدم گرفته بود مردم با مزه ما اعتراض می کردند. بسرک بقیه یا سادار گرفت و گفت این تمام زندگیمه، سیگارهایم را بدهید. با ساداری دیگری آمد و ما کمک اولی او را تا چند متری دورتر از ما شین پشت کتک زدند و مرتب به او می گفتند برو و گمشو می خواهی مردم را غارت کنی؟!... بسرک و لکن نبود، باز دنبال آنها آمد.

بقیه یکی را گرفت و گفت سیگارهایم را بدهید. با سادارانی را مقابل سینه او گرفت و گفت برو و لامی زدم. قیافه هده مردم بهت زده و مصیبه بود بسرک را در حالیکه قفسش میداد دگنار کشیدند و ما شین با ویراژی تند بیچید و رفت.

* * *

وجود نیروی فراوان کار در بازار و در شرف تعطیل بودن بسیاری از کارخانجات اکثر حرکات کارگری با اخراج و یا دستگیری عده ای درهم می شکند. برای مقابله با این وجه با بدبختی توجه بسیاری را به صنایع و خدمات استراتژیک که دارای نقش حیاتی در سیستم جامعه هستند معطوف داشت و اعتصابات کارگران کارخانجاتی چون "نفت، برق، مخابرات، حمل و نقل، راه آهن، صنایع دفاع، و..." از سازمان داد. جالب اینجاست که توده ها خود به این امر بشکلی غریزی پی برده اند و این جمله مکرر شنیده میشود که "اگر گرفت اعتصاب کند کار تمام است" یا "اگر گرفت اعتصاب کند بقیه هم می کنند" اما از سوی دیگر باید اشکال مبارزاتی کارگران را بسطی انتخاب و سازمان دادن "هیئت های تحقیق کارگری" و در تداوم آن اعمال "کنترل کارگری" در شرایطیکه سرمایه - داران دست به تعطیل کارخانجات میزنند هدایت نمود.

رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است



پیرامون شعار...

بقیه از صفحه ۲

پیروزی آن متحدینی چون دهقانان و خرد بورژوازی شهری دارد. از یکسو متحدین پرولتاریا، و از سوی دیگر وظایف پرولتاریا در این مرحله از انقلاب نشان میدهد که این انقلاب در وهله نخست نه یک انقلاب سوسیالیستی، بلکه یک انقلاب دمکراتیک محسوب میشود. اما اولاً انقلاب دمکراتیک ایران به از نوع انقلابات دمکراتیک طراز کهن، بلکه از نوع انقلابات دمکراتیک طراز نوین محسوب میشود یعنی پرولتاریا رهبری مبارزه را در دست دارد و همزویی این طبقه برجینش اعمال میشود. ثانیا، ایران یک نومنشعمره است، که در آن بعلت تسلط مناسبات سرمایه داری، بعلت اینکسسه سرمایه داری و وابستگی به امپریالیسم دوجز لاینفک محسوب میشود، و مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه سرمایه داری جدا نیست و پیروزی در صفا انقلاب قرار دارد، نه رشد سرمایه داری جدا بلکه میان بر زدن سمت سوسیالیسم را تحت رهبری پرولتاریا دنبال میکنند. و پیروزی انقلاب دمکراتیک تنها با گذار به سوسیالیسم میسر است. از اینرو انقلاب دمکراتیک ایران، یک انقلاب - دمکراتیک بوده است که در راهی ژرف آنرا از سوسیالیسم جدا نمی کند. انقلاب - دمکراتیک بوده است یک مرحله گذار به سوسیالیسم است. بهرحال علی رغم اینکه در انقلاب ایران مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه سرمایه داری جدا نیست و وابستگی به امپریالیسم و سرمایه داری دوجز لاینفک محسوب میشوند و انقلاب دمکراتیک بوده ای ایران راه رشد سرمایه داری را طی نخواهد کرد، و به

بورژوازی امکان رشد نخواهد داد. دو یک دره غیر قابل عبور میان این دو مرحله وجود ندارد، با این وجود این امر باعث نخواهد شد، که دو مرحله بهم پیوسته انقلاب که متعلق به یک پیرو و واحد هستند، یکی دانسته شوند. مجموعه شرایط عینی و ذهنی به هیچوجه در گام اول انقلاب سوسیالیستی را در دستور کار قرار نداده است. به اصال مطلب بازگردیم، در فرمولبندی علاوه بر مضمون طبقاتی دولتی که باید مستقر شود، به شکل آن نیز اکتفا می کند، شکل دولت، جمهوری - دمکراتیک است، اما نه از نوع جمهوری - های پارلمانی بورژوازی، نه از نوع دمکراسی های بورژوازی، بلکه از نوع کمون، جمهوری شوروی و دمکراسی های توده ایست. یعنی جمهوری که پس از درهم شکسته شدن ماشین دولت بورژوازی، در آن اعمال حاکمیت توده ها از طریق شوراها، کمونها، مجامع خلق و هر شکل انقلابی توده ای دیگر صورت خواهد گرفت. از همین روست که فرمولبندی در همان حال که مضمون طبقاتی دولت را تعیین میکنند، با تصریح بر این امر که جمهوری دمکراتیک کارگران و دهقانان بر شوراها میسازد، کارگران، دهقانان و دیگر تشکلهای انقلابی توده ای مبتنی است نشان میدهد که جمهوری دمکراتیک خلق به از نوع دمکراسی های بورژوازی بلکه از نوع دمکراسی های شایسته که اعمال حاکمیت مستقیم مردم از طریق شوراها یا دیگر تشکلهای انقلابی توده ای صورت خواهد گرفت. در این مقاله مجال پیدا ختن بیشتر بر این موضوع را نداریم، تنها در این نوشته از یکسو ضرورت طرح این شعار را سوی دیگر در یک جا رجوع کلی معنا و مضمون آنرا مورد بررسی قرار دادیم و در آینده نیز با همیابین مسئله خواهیم پرداخت و جنبه های مختلف آنرا مفصل تر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

اعدام جنایتکارانه شکرالله پاکتراد

شکرالله پاکتراد یکی از انقلابیون گروه فلسطین بود که در سال ۱۳۴۸ توسط مزدوران شاه دستگیر شد و مدتها در حبس و شکنجه ها، قهرمانان نرسه مقاومت کرد، اما بدلیل فشار افکار عمومی در سطح جهان و دفاع قهرمانان و در بنیادگاه های شاه که انگار جها نسی یافت رژیم شاه نتوانست او را اعدام کند و به حبس محکوم شد و همزمان با قیام شکوهمند خلقهای ایران او به همراه سایر انقلابیون و با دست توانای خلق از زندان آزاد گردید. اما اینبار رژیم جنایتکار - مینعی که گویا رسالت با تمام رسانندن وظایف شاه را در سرکوب انقلابیون و - مبارزین بعهده گرفته است او را جندی - پیش با زداشت کرد و به جرم دفاع از منافع خلق به حوخته اعدام مسرد.

رژیم جمهوری اسلامی تصور می کند که با کشتار دست جمعی و بدون محاکمه انقلابیون قادر است اراج گیری جنیش توده ای - جلوگیری نماید اما همچنان که شاه و - مزدورانش علیرغم تمام جنایاتشان - نتوانستند از خشم توده ها بگریزند خمینی قادر نیستد حیات تنگنای خود حیداصحی بیغزایند و سرانجام با دست توانای - خلق رژیمده ایران به گورستان تاریخ سپرده خواهد شد.

با کمکهای مالی خود...

بقیه از صفحه ۱۴

تدارکات و امکانات مورد نیاز، مساله حیطه تشکیلات در شرایط نوین خود هزینه سازمان آوری پیش پا مینهد. مسائلسل امنیتی در چند ماه گذشته هزینه سازمان را به چند برابر افزایش داده است. سازمان در طی ماههای گذشته مجبور گشته است بارها برای جلوگیری از ضربات امکانات جدیدی - برای چندین بار برودت - تدارک ببینند و با در بر خوردن به موارد مشکوک، تعقیب و مراقبت یا لورفتن امکاناتی چون خانه، ماشین، اثاث و حتی امکانات تکنیرو... و آرها کند. این مسائل به همراه برخی - ضربات وارد هزینه بسیاری را جهت تدارک بعدی طلب می کند. و این همه در شرایطی است که بعلت برقراری اختناق و انسداد هرگونه امکان پیشبرد مبارزه علیه اشرافیات بسیار از هواداران ما که کمکهای مالی قابل توجهی می نمودند با قطع گشته است. چشم اندازی که پیش روی ما گسترده است، اعتلای جنبش توده ای، رشد مبارزات خلق، لزوم شرکت وسیع در مبارزات مردم، سازماندهی خلق، حرکات گسترده تسلیفی، افزایش تیراژ نشریات، بخش وسیع اعلامیه و تراکت ها، تدارکات نظامی، گسترش عملیات و... همه و همه چشم اندازی از افزایش هزینه سرچشمه مبارزات و هزینه ها را نیز در مقابل ما قرار میدهد. تنها در نظر سبیا و ریدچاب یک نشریه از مرحله تهیه، چاپ

حمل و نقل و توزیع چه سیری را طی میکند و چه مخارجی بر میآورد. آنگاه نیز به وظایف گسترده سازمان بپردازید.

رفقا! هواداران! تدارک مالی برای سازمان را در دستور روز خود قرار دهید. بخشی از هزینه های روزانه، بخشی از حقوق و دستمزد شما در شرایط کنونی ممکن است نقشی تعیین کننده در جنبش ایفا کند.

شبکه های توزیع دست به دست نشسته را همچنین به شبکه های تدارک مالی تبدیل سازید. این کافی نیست از دوستان، - آشنایان و فامیل - با رعایت مسائلسل امنیتی لازم - از تمامی کسانی که به جنبش انقلابی تمایلی دارند کمک های مالی جمع نما کنید. نظم و تداوم کمک های مالی که آنرا بصورت درآمدی مستمر در میآورد اهمیت ویژه ای دارد. تلاش خود را در جهت گسترش هر چه بیشتر شبکه های تدارکات مالی متمرکز نما کنید.

در این میان رفقای هوادار سازمان در خارج از کشور و طبقه سنگین تری بردوش دارند. رفقا! شما که تا کنون همواره - کمکهای مالی ارزنده ای به سازمان - نموده اید یا کمک یا یکدکوش ویژه ای در این جهت بکار ببندید. رفقای ما در داخل کشور در عین محدودیت های بسیار و از جمله فقر و اختناق قحطان در جنگال فقر بیگاری و بی چیزی همه گستری که خلق را فرا گرفته است سیرتد. شما نباید شرایط - قطعی یا اختصاصی یک سری بر نامه ها و اعمال ویژه و بیگاری برای سازمان کمک مالی جمع آوری نما کنید. در این راه باید تمامی تلاش خود را بکار ببندید و از

یاری تمامی نیروهای انقلابی و محافظل ترفیخواه جهانی بهره گیرید.

هر چند وظایفی که بردوش سازمان مسا قرار دارد بسیار سنگین و گسترده است اما در مقابل کین ما به ضد خلق و مایه خلق بسیار رقیب بر نمیآید. این مشکل و صدها - مشکلی چون این زمانی که با در بردوشی که خلق زحمتکش ما را بر تمامش میشود و یاری که بیولتاریا می - بمان ما در زیر جرخ دنده های استعمار بردوش میکشد قیاس میشود بسیار کوچک. به نظر میرسد. رفقای ما در تمامی طول زندگی برای افتخار سازمان با چنین مشکلاتی دست به گریبان بوده اند. اما حتی گرسنگی، سرما و فقر قادر نبوده - در راهی از کار و فعالیت مداوم و انقلابی - آنان بکاهد. هنوز مدتی طولانی از زمان نمیگذرد که رفقای ما با غارتیه ایگانات از خانه های لورفته شهید می شوند. اما بهر روسا زمان همواره راه سرخ پرولتاریائی را بنموده است و همواره بهرحم ظفر نمون - آنرا برافراشته نگاه داشته خواهد داشت. اینک نیز آنگاه که به پیروزی توده ها - می نرسیم، آنگاه که به وسعت قهرمانی - های خلق فکرمی کنیم، میدانیم، ایمان داریم که تمامی مشکلات با اکتفاء به - توده ها حل خواهد شد. میدانیم که طرح مشکل مالی در سطح وسیعترین توده های ممکن از سوی سازمان خود جهشی عظیم در پی خواهد داشت.

برای اطمینان از رسیدن کمکهای مالی خود بدست سازمان آنهارا با کد ارسال دارید.

سوانحجام خمینی

بقیه از صفحه ۱

جمعی به جوخه‌های اعدا مسیره شدند، ناچار شدباین جنایات هولناک اعتراف نماید. اودر سخنانی که در روز چهارشنبه در حضور سران رژیم به مناسبت هفته وحدت با ارتجاعی ترین رهبران مذهبی داخلی و منطقه صورت گرفت گفت:

"... در ایران هم این صاله کسه می بینید در همه جا برای ما مطرح میشود که اینها آدم می کشند اینها خیال می کنند ایران آدم می کشد، ایران تا امروز یک دانه آدم را نکشته است، ایران یک ساعی را که حمله کردند تیر همه چیز اسلام، ملت، انسانیت، اینها را اگر بتوانند تهنیدیب میکنند و اگر بتوانند به حبس اینها را نگه میدارند تا تهنیدیب شود و اگر نتوانند تصفیه می کنند این کاری است که همه انبیاء از اول خلقت تا بحال کرده اند..." "کیهان پنجمین ۲۴ دیماه ۶۰"

اعتراف به کشتاری اینچنین آنهم در شرایطی که سواکی سیاستهای سرکوب - گرانه و فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی میرونتا دولت ایران را در ردیف کشورهای موجود در لیست سیاه همچون آفریقای - جنوبی و اسرائیل قرار دهد، شاید مسئله چندان دور از ذهن نباشد، زیرا که اینها ن

کردن این جنایات بیش از این مقدور نیست، اما توجیه و قیاحتها بین اعمال، عمق بیشر می خمینی و مزدورانش را بسه نماید. او همچون تمام ماسی دیکتاتورهای تاریخ، هرآنکس را که مخالف سیاستهای ضد خلقی و ارتجاعی رژیم است اساساً "آدم" به حساب نمیدارد و تنها مشی نامدم و مزدور را که در زیر شکنجه حاضر شده هکارتی با رژیم چنانگارش شده اند با اصطلاح "تهدیب" گشته اند مستوجب و نده ماندن و اعطای حق حیات میداند.

اوبهترین فرزندان خلق را که به عقابله با سیاستهای ارتجاعی رژیم برخاسته اند مستوجب مرگ میداند، گارتی را که در مقابل اجاق قات رژیم به مبارزه برخاسته - اند و دهانانی را که خواستار خلقید از زمینداران میباشند، سوع میاند و اساساً هرگونه مخالفتی با رژیم را سوعیت - قلمداد می کند. اگر شا هوجیره خواران - انقلابیون را خرابکار و تروریست می نامیدند خمینی با رافرا تر نهاده و هرآنکس را که مخالف رژیم شد آدم به حساب نمی آورد، بی جهت نبود که در آستانه قیام خلق ژنرال هویزرا آمریکا بی پس از مذاکره با بهمنی به خاکمیت خمینی و دیگر جناحیتگاران تن داد. آیا خاکمیتی غیبتی تراز - خاکمیت کنونی می توانست بسرکار آید که اینچنین دریائی از خون برآه اندازد و بهترین جوانان میهن را بجرم دفاع از

منافع خلق، جنین بخون کشد. اما واقعیتی نیز در پس کلیه توهومات خمینی و آمال و آرزوهای جنایتکارانه اش وجود دارد و آن اینکه خلق قهرمان ایران بگونه ای ملموس ما هیت جنابتکارانسی چون خمینی و کلیه مزدورانش را هر چند با پرداخت بها بی گزاف یعنی از دست دادن چندین هزار از بهترین فرزندان - شناخت و بدینست که دیکتاتورهای چون خمینی در اینجا انتقام خلق گرفتار آیند و به زباله های تاریخ سپرده شوند. اگر چه ما هیت حکومتی مذهبی برای آندسته از خلقها بی که بطور ملموس با آن مواجه بودند نقش ریاکارانه خود را بعینه آشکار کرده بود اما تحریک کنونی رژیم ایران بکبار دیگر به کلیه توده های تحت ستم نشان داد که چگونه دولتهای مذهبی تحت پوشش مذهب و با استفاده از احساسات توده ها، منافع استثمارگران را حفظ و حراست می نمایند و توده های زحمتکش را با صدور فتاوی متعدد به فرما سیرداری وادار می سازند و هنگامیکه مردم و با لایخص نیروهای آگاه تسلیم تر فندهای انسان نمی شوند به قهر و سرکوب متوسل میشوند. اینگونه حکومتها اگر چه ممکنست بدلیل اتکاء به اعتقادات توده ها تا مدتی دوام آورند اما از آنجا که مکتب پرور هم توده ها هستند با درهم شکستن این توهم نابودی آنان نیز قرا میرسد.

اقدامات جدید وزارت کار گامی در جهت نابودی...

بقیه از صفحه ۱۰

است، که پس از ۳۰ خرداد دتیز گسترش یافته است. متناسب با این اشکال مبارزه، شکل های علیی کارگران (شوراها در کارخانه و سندیکاها در صنوف) پتانسور خورا در هدایت مبارزاتی کارگران از دست داده و تشکل های مخفی توده کارگر برجستگی یافته اند. بطور مثال ما از مدتها پیش - شاهدیم که در مقابل خراج کارگران - شوراها که زمانی پرچمدار مبارزه برای بازگرداندن و حمایت از آنها بودند به تدریج کناره رفته و کمیته های مخفی حمایت از کارگران را خراجی بوجود می آید. نتیجتاً هرچه فضای دیکتاتوری بیشتر برجا می آید حاکم میگردد تشکل های علیی نیز نقش کمتری در پیشبرد مبارزات کارگران پیدا می کنند. اما اینکه در شرایط کنونی این نقش به حد صفر رسیده باشد، هنوز اینطور نیست، بنا بر این پاسخ به این سؤال که کارگران پیشرو در استفاده از تشکل های - علیی و مخفی برای سازماندهی توده کارگر چگونه باید برخورد کنند، روشن است. در شرایط کنونی سازماندهی مخفی توده کارگر عمده و تشکل های علیی بطور فوری باید مورد استفاده قرار گیرند. درباره کمیته های مخفی کارخانه همچنانکه تا کنون با رها سخن گفته ایم در آینده نیز به اهداف نهائی و وظایف فوری آن خواهیم پرداخت. اما آنچه در اینجا لازم است مورد توجه قرار گیرد اینست که فرعی شدن نقش تشکل های شورا بی در پیشبرد مبارزه به معنی نفی این تشکل ها نخواهد بود. اگر وظیفه پیشرو در رابطه با شورا های کارخانه

تا پیش از ۳۰ خرداد، و یورش عریان و گسترده رژیم علیه انقلاب، تبلیغ و ترویج و عملی نمودن کنترول کارگری با نظارت و دخالت در تمام امور جاری در کارخانه بود. پس از وقایع ۳۰ خرداد و در شرایط کنونی - دفاع از بقایای شوراها می مترقی موجود و جلوگیری از نابودی کامل آنهاست. اینک کارگران بیشتر و موظفند با تبلیغ و توضیح ایده های اساسی شورا و افشای شورا های فرمایشی، مانع از بین رفتن یا رواج ذهنیت منفی نسبت به شوراها بطور کلی گردند. باید به کارگران توضیح داد چرا شورا های بیابینی و بقایای شورا های مترقی را نباید بحال خود رها نمود تا زیر فشار اختناق و سرکوب دژخیمان رژیم از بین بروند و با توده های تبلیغ گسترده در افشای ما هیت اقدامات اخیر وزارت کار، باید مانع تحقق اهداف آنها شد. نباید بدلیل عمده بودن تشکل های مخفی توده کارگر، اجازه داد تشکل های علیی نباشند. توجه داشته باشید از بین رفتن کامل شوراها قدرت رژیم را برای سرکوب کمیته های مخفی کارگران نیز متمرکزتر می نماید. با تهیه شعارها و تراکت های کم حجم از روی این نوشته ما هیت حرکت اخیر و اهداف آتی وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی را برای توده کارگران افشاء کنید. همه کارگران باید به این مسئله پی ببرند.

در تشکیل مجمع عمومی کارگران و زمان منظم آن بگوئید. این مجمع ها باید بدادگای برای بازخواست نمایندگان شورا تبدیل شود. برای تعویض نمایندگان مورد شرف کارگران و فرستادن نمایندگان واقعی بدون شوراها تلاش کنید. شوراها با اراده کارگران ایجاد شدند. از بیطن انقلاب روئیدند و برای ادامه انقلاب کارگران به آن نیاز دارند. رفقای کارگرم!

وزارت کار در چهره ای بطله است: سرمایه نظم "مطلبید، و نگاه کسه" نظم" جا معه در اشبحرا نهایی اقتصادی و سیاسی بهم ریخت، سرمایه بظن می افتد. دولتهای بورژوازی در معرض سقوط قرار می گیرند و توده ها نظم مورد نظر خود را برای حل بحرانها ارائه میدهند. بورژوازی بدست وای می افتد. بهر نحوشده می کوشد تا "امنیت سرمایه" را تامین کند و فرمای سرکوب دوشیوه ایست که با بدین امنیت را ایجاد کنند و آنگاه که بورژوازی با فرمقا در به انجام این کار نیست، سرمایه خون می طلبد! اما ما استثمار ریدون سرکوب میسر نمی گردیم بنا بر این زندانها را انقلابیون لبریز می شوند. جوخه های اعدا م شانه روزی انجام وظیفه می کنند. کودکان و پیران و زنان حاکم تیرباران می گردند. سنگفرش - خیابانها از خون انقلابیون رنگین میگردد نظرات کارگران به گلوله بسته میشود. دسته دسته از کارگران پیشرو خراج و سلا زندانی میگردند. پیشروترین آنها به جوخه های اعدا مسیره میشوند و با ترور خیابانی به شهادت می رسند. کانونهای ضدا انقلابی درون کارخانجات قدرت میگیرند. ارگانهای اعمال اراده کارگران شوراها و سندیکا های انقلابی شیدا "مورد" بورش قرا زگر فوری... و با لآخره بورژوازی می کوشد تا با سرکوبها و از بین بردن آخرین بقایای نظم توده ها، امنیت سرمایه را تضمین، و راه ادامه استثمار را هموار، و گریبان خود را از بحران های موجود نجات دهد. این است هدف نهائی بیش از ۶ ماه خاکمیت تروریسم آشکار و ایستادن قانومندیکه به خوبی حرکات اخیر - ارگانهای مختلف رژیم از جمله وزارت کار را افشاء می نماید.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

اخبار شهرستانها

بندرانزلی - بندل رهنمود سازمان مبنی بر تشکیل کمیته های مقاومت برای سازماندهی مبارزات توده ها، کمیته مقاومت محلات در انزلی تشکیل شده، این کمیته مقاومت بخش های از پیشروترین اهالی محل را در خود متشکل نموده و اولین نمودار وسیع بخش اعلامیه خود را نیز در سطح وسیع بخش نموده اند.

عنوان اعلامیه بخشی: مقاومت اعلامیه رادریزمیاریم:

با ندهای سیاه موسوم به حزب الله را افسانه و طرد کنیم

... مبین ما لظاظت سرنوشت سازی را می گذراند. گزانی و بیگاری، فقر و گرسنگی بنیاد میکند. بیش از دو میلیون آواره - حتی در بدترین شرایط... سر میزنند. هزاران تن از با کترین فرزندان خلق در زیر شکنجه های رژیم... سر میزنند و این با ندهای سیاه موسوم به حزب الله چگونه به جان و مال و حیثیت مردم زحمتکش تجاوز می کنند. در شرایط کنونی شناسایی افسانه

و ضربه زدن به با ندهای سیاه، یکی از وظایف انقلابی است... کمیته مقاومت محلی سعی برای دارنده در هر اعلامیه اساسی چند تن از چریک خواران مشکوک را برای ملت افسانه و رهنمودهای لازم در این مورد را ارائه دهد... تا بود دستورهای با ندهای سیاه حزب الله علیه مردم زحمتکش و نیروهای انقلابی... کمیته مقاومت محلات

غریبستان - ۶۰/۹/۱۳: در جریان حدود ساعت ۷ بعد از ظهر دکه داران زحمتکش که ۱۵-۲۰ نفر میباشند، با چهره های خشمگین اقدام به جمع آوری دکه های خود کردند. دکه داران را هر یک بدنیال حاشی می کشیدند که نه دکه های خود را در آن پنهان کنند. در یک طرف گروهی از مردم و جوانان جمع شده بودند و صحبت درباره جمع آوری دکه ها و بیگاری دکه داران مشغول بودند. جوانی میگفت:

"بی ترسیا آخر اینها جاکار کنند؟! او که از شدت خشم سرخ شده بود می گفت: کار که انجام نمی دهند، دکه داران را هم بیگاری کنند خدا قل یک بازار چه برای ما در نظر بگیرد. مرد تقریباً منتهی گفت: اگر بزوجه هم انجام دهند حتماً در بیرون شهر خواهد بود و شما با بی درسیا با ن کاسنی کنید. دکه داران نفرت و خشم شدیدی نسبت به اقدام رژیم برای زمین نمودن ولی به علت نداشتن شکل و رهبری بدون مقاومت دکه های خود را جمع کردند.

رودس - ۶۰/۹/۱۲: در جلسه ای که با حضور کلیه کارگران چندین تنه و فرماندار تشکیل گردید فرماندار سعی فراوان نمودند تا کمیته را به عنوان حاکمیتی مردمی بقبولاند. او در سخنانش میگفت: که این رژیم خدا قل تا ۴ نسل باقی خواهد ماند پس شما تیرگاری - خودتان را با این رژیم همانک کنید.

اگر در حاشی صد انقلابی هست معرفی کنید و گرنه شما را به حرم هم تباری نماند. انقلاب دستگیری کنیم. اگر می بینید گاه کسی با سادری تا یک نفر منافع دیگری دارد جانب با سادرها را بگیرد تا ارج و شرف شما زیاد شود! و در آخر می گوید: اگر این رژیم عوی شود به حاشی آن رژیم دیگر نمی توانیم مواجعت شما را محاکمه کنیم... ما میتوانیم در دفاعات خود گوئید که ما

این رژیم را مردمی تشخیص میدادیم و برای آن جاسوسی میکردیم و این در قلموس هیچکس عیب و عارت نیست و نمی توانند شمار با این جرم اذیت و آزار کنند! و سپس اضافه می کند: در اوقات بیگاری بسیار سیخ و سیاه هم کاری کنید تا مورد توجه دولت باشد، اگر میل دارید ثبت نسام کنید و به حبه اعزام شوید....

مشکین شهر - ۶۰/۹/۱۵: از تبلیغ علیه شریعتمداری بوسیله هواداران - خمینی کاسته شده است. علت این امر توصیه خمینی در یکی از سخنرانیها پیش بوده که از تلویزیون پخش شده. در این رابطه تعدادی از شعارهای مریک در شریعتمداری نیز از روی دیوارها پاک شده است.

۶۰/۹/۱۴: قرار است یک دوره مسابقات فوتبال بطور مسابقه بین محلات مشکین شهر شروع شود. برخی از جوانان شرکت کننده خواهان انتخاب اسامی ترکی برای تیم - هایشان هستند لیکن این کار با مخالفت دست اندرکاران تربیت بدنی و آموزش و پرورش روبرو شده است. با ساداران گفته اند: اگر اسامی ترکی روی پیراهن تیمی نوشته شود علاوه بر آنکه آن تیم از مسابقات محروم خواهد شد، تمام اعضای آن تیم را نیز دستگیری خواهد نمود. چون سال قبل در این مسابقات به هنگام تشویق هر تیم و شعارهای ترکی از قبیل "یا شایا تیم ما" و یا سایرین با والان میدادند که به زعم ساداران نظرم را هم میزد.

کرمانشاه - ۶۰/۹/۱۴: روز ۱۴ و ۱۵ در دکه کارگران میزان بسیاری نه بیماران اما خمینی ۲۵۰ تخته خواسی برای کارآموزی رفته بودند در بیمارستان تهران زندانیان دیزل آنها در آورده بودند که یکی از آنها هوادار مجاهدین بود و دیگری مردی حدود ۳۹ ساله به جرم داشتن کتاب پریمی از قرآن طالقانی دستگیر شده بود. بعد از چند روز که همسرش فوق به ملاقاتش میروید به ساداران تذکر میدهند که او کلیه هایش را راحت است در غذا پیش نمک نریزد، با ساداران هم ظاهراً می پذیرند ولی برای به حرف آوردن او تمک زیاد در غذا پیش ریختند و حتی گاهی میشت منت نمک به هایش می ریختند در نتیجه شکم وی به طرز وحشتناکی بزرگ شده بطوریکه برای حرکت دادنش مجبور بودند.

بگیرند و با لایحه مجبوره بستری نمودن وی در بیمارستان شدند. در روز ۱۶/۹/۶۰ این شخص که نامش خاوران بود درگذشت.

کرمانشاه - ۶۰/۹/۲۳: چندی قبل از ماه محرم از طرف دفترایت الله منتظری شخصی به نام حجت الاسلام جنتی به امامت جماعت شهر منصوب میشود. با ورود او درگیریهایی لفظی طرفداران او تمایز شده. سنقر در مجلس (حاج آقا رحیمی) صورت میگیرد. مخالفان حاج رحیمی، او را مدافع سازیهایی و حاجیه و تاج می دانند. دوروز پیش خبر دستگیری جنتی در شهر پخش شد. اعضای انجمن اسلامی با خبر شده بودند و ولوسی نمی خواستند آنرا علناً بازگو کنند. گفته میشود جنتی فعلاً در زندان قم است.

مخالفان او می گویند جنتی را سیاه قسم دستگیر کرده است موافقان می گویند سیاه سنقر که با او در سخنان عمیق بوده است اینکار را کرده است. ولی منتظری مجدداً او را تا شکر کرده و قرار است بازگردد و امام جمعه ستقر شود.

ارومیه - ۶۰/۹/۲۵: به دعوت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه ارومیه جهت برگزاری مراسم سالگردیه اصلاح شهادت مفتاح، علیرغم تلاشهای مداوم این انجمن و اعلام آن از طریق رادیو و تلویزیون و دعوت مردم از طریق پخش تراکتها در سطح وسیع در شهر، فقط ۷ نفر شرکت کرده بودند. از اینرو برای جلوگیری از انتشار رایسین افتتاح رئیس دانشگاه تمام کارکنان دانشگاه را بدون استثناء به تعطیل کار و شرکت در این مراسم فراخواند. رئیس سابق دانشگاه (دکتر فرهودی) ضمن سخنرانی خود به مقایسه اسلام با مسیحیت - پرداخت و بطور مستقیم به اولیبت هشی مذهبی اهلان نمود. سن از سخنانهای مسیحی برای اعتراض به یاه و گوئی های دکتر فرهودی سالن را ترک کردند.

مرآغه - ۶۰/۹/۱۸: در شرایطی که رژیم ادعا میکند اعداها را قطع نموده و شکنجه وجود ندارد. هفته گذشته دادگاه انقلاب ۵ تن از اعضای هواداران - مجاهدین خلق را محکوم به اعدام نمود و پس از اجرای حکم سادانها را به سردخانه شیروخورشید برد و به خانه ها هایشان اطلاع داده بود که سیای بند پس از پرداخت پول گلوله های شلیک شده به این فرزندان خلق جسدها هایشان را تحویل بگیرند. همگی اعدام شدند با شدت شکنجه شده و عده ای دست و پا هیشان شکسته بود. همگی اعدام شدند اهل بناب بودند.

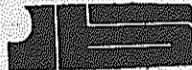
اخبار تهران

تهران - از تمام قهوهچی ها بعنوان شرکت تعاونی نفی دوهزار تومان گرفته اند. بدون اینکه چنین شرکت تعاونی وجود داشته باشد. و در مقابل اعتراض بعضی از قهوهچی ها که گفته اند ما این مقدار پول نداریم آنها را تهدید به اخراج از اتحادیه کرده و در نتیجه سهمیه قند و شکر تا قطع میشود.

دریک ساندویچ فروشی چهار نفر که برای جمع آوری کمک به رزمندگان اسلام وارد شده بودند ساندویچ فروشی به آنها میگوید ما برای نفت به مسجد مدیم ولوسی با سادری که همراه آن جمع بودوسفت سرپرستی داشت گفت این مسئله به نفت ارتباطی ندارد و ما برای جمع آوری کمک آمده ایم البته اجباری نیست فقط اگر خواستی کمک کنی بیشتر از صد تومان باشد ساندویچ فروشی پس از مدتی با سادری با شریکش صحبت کرد و با لایحه صد و پنجاه تومان با آنها داد آنها گفتند اجباری نیست ولی ما قبض پنجاه تومان نمی داریم و ساندویچ فروش مجبور شد پنجاه تومان دیگری هم بدهد.

ایبهر - ۶۰/۱۰/۶: در ایبهر یک ساختمان قدیمی جزو آثار باستانی هست به نام شاهزاده کبیر، چند روز پیش یک روستائی می آید و به بهانه تندر کردن آنجا بقیه در صفحه ۱۷

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



اخبار شهرستانها

راسفیدکاری می‌کند و پس از آن تمام کسار ش
آنجا را مصادره کرده وزن و بجهت آن را آنجا
می‌آورد و در مقابل اظهار شهرداری نیز
میگوید به من خانه بدهید تا اینجای را
تخلیه کنم.

کلیتاً - هواداران سازمان در کلنبر
در رابطه با مسابقات ورودی تربیت معلم
از طریق اعلامیه‌ای دست به افشای سیاست
- های رژیم زدند. در این اعلامیه آمده
است: «در مورخه ۶۰/۹/۱۹، مدافعان راه به
اصطلاح انقلاب فرهنگی لیست قبول
شدگان دانشجویان تربیت معلم را در
روزنامه‌ها منتشر کردند... رژیم قبول
شدگان را از اعتباری تفاوت و حزب -
الهی اعلام کرد ولی این برنامه و عمل
آموزشی رژیم در مقابل دانشجویان -
انقلابی، سنگر آنان را در میان زرات
دانشجویی کشورمان مستحکم‌تر نموده
مستحکم‌تر با دستگیر مبرزه مقامات -
دانشجویان انقلابی علیه رژیم جمهوری -
اسلامی.

قائم شهر - در عروسی بین دو خانواده
شروتمندقا شهر (لنگ) ازاده که در
دوویلی اختصامی شان در بابلسر برگزار
گردید علاوه بر پذیرایی با انواع مشروبات
و شرکت ارکستر با خوانندگی مازیسار،
پاسداران در اطراف ویلا گشت میدادند که
کسی مزاح آنها نشود.

آمل - تا جرات برنج آمل که سهم امام
خود را به آیت الله جوادی میدادند با کمک
جوادی توانستند برنجهای خود را به تهران
بیاورند و به قیمت گران بفروشد و استفاده
- های کلان ببرند.

خمیس - هفته اول دیماه: در اشر
گسترش ناراضا بی‌ها و اعتراض به اعدا مها
مردم خمین به خیابان ریختند. یک آخوند
هم همراه آنان بود. این عده در مسجد جمع
شده بودند که مسجد از طرف سپاه مستحصره
میشود. بازاریان به حمایت از مردم بازار
را تعطیل می‌کنند. این جریان ۲-۳ روز
ادامه داشت تا با دستگیری دادستان -
انقلاب و حاکم شرع و یکی از آخوندهای -
معروف که خواست مردم بود اعتراض موقتاً
پایان گرفت.

خوزستان - آذرمه: در دو ماهه آبان
و آذر حدود ۴۰ نفر از کارکنان مخابرات
خوزستان اخراج و تصفیه شده‌اند. با استثناء
تعداد انگشت شماری که به اتهام اعتیاد
فردا دو استگی به‌سواکس برین از
افراد متفرقی و انقلابی بودند که اغلب
در جهت مبارزه با رژیم شاه فعال بوده‌اند.
ارومیه - دیماه ۶۰: هواداران -

سازمان در ارومیه طی اعلامیه‌ای افشاگرانه
و توضیحی اعدا مها و کشتارهای رژیم را
محکوم و مردم را به مبارزه بر علیه سیاست
سرکوب رژیم دعوت نمودند. رفقا در این
اعلامیه گفته‌اند:

"تربیت سال از عمر ننگین و جناحیتکار
رژیم جمهوری اسلامی میگذرد. در طول این
مدت سردمداران بقدرت خزیده رژیم
تنها کوچکترین گامی در جهت رفاه و
آسایش و منافع شما مردم زحمتکش بر -
نداشته‌اند..."

مردم مبارز ارومیه! رژیم جمهوری -
اسلامی اینک با بحران عمیق اقتصادی و
سیاسی دست به گریبان است. از نظر سردمداران
اقتصادی هر روز بیشتر از روز قبل در مانده
- تر میشود. از اینرو با رستگین این بحران
و ابرودوژنکارگان و دهقانان و سایر
زحمتکشان منتقل می‌نمایند... و بسیاری
نجات خود را می‌جویند و کشتار و
جناحیت نمایی‌ها، هر روز دسته‌دسته از
سخت‌ترین فرزندان خلق ما را در زندانها
و شکنجه‌گاهها به خاک و خون میکشد.

بسیار نگرش و زبونی سردمداران رژیم
جمهوری اسلامی است. زیرا می‌بینیم که چه
گونه اقرا دودخیز و خسته‌ای که در مقابل -

ستمرگیهای رژیم نظامی و ارتجاعی
ضیاء الحق بر خلق خویش دم فرو بسته‌اند
و کوچکترین اعتراضی نمی‌کنند. حاضرند
بنا خود "وبا پولی که حاصل دسترنج
زحمتکشان ایران است رسالت اسلامی
خود را بجا آورده و به نفع جناحیتها رژیم
هورا بکشند. سیاستهای ضد امپریالیستی
و مترقی حکومتهای انقلابی خودبهرترین
میلت و مروج آن می‌باشد. و توده‌های
آگاه و زحمتکش ما در قزین میلت آن این -
رژیمهای ارتجاعی و جناحیت پیشه همچون
رژیم جمهوری اسلامی هستند که به کمک
روزنامه‌های پاکستانی و هندی و... و با
دادن رشوه به نیروهای ارتجاعی، نیل بسنه
اهداف بلند خود را عملی می‌بینند. اما زهی
خیال باطل!

خبرات نماز جمعه در کیسه‌ها جمع شده!!
نقل از خروش شماره ۱۰

چند هفته پیش بعد از اتمام نماز و وحدت
شکن جمعه در سرستان، عده‌ای با سدار و
حزب الهی شروع به جمع آوری پول از
نمازگزاران میکنند و در جواب سوال مردم
زحمتکش که این پول برای چیست؟ جواب
میدهند که این پول جهت خرید وسایل مورد
لذوم ما جمعه می‌باشد. هفته بعد وقتی که
مردم سرستان اما جمعه را در پیگان -
می‌بینند متوجه میشوند که از دسترنج آنان
برای اما جمعه پیگان خریده‌اند.

آغا جباری - ۶۰/۹/۱۱: "بخش اعلامیه
از لایله چکمه‌ها و از فراز سرنیزه‌ها و تفنگهای
پاسداران"

در اطراف دومدرسه شهر یکی راهمائی
و دیگری دبیرستان غلغله بود ساعت حدود
۸ صبح بود و موقع رفتن به کلاس دانش -
آموزان یا در حیاط مدرسه بودند و با بالابار
بیرون از مدرسه جمع شده بودند و با چهره
- های بشاش با یکدیگر بحث و جدل میکردند
بسیجی‌ها با انجمن اسلامی‌ها، مستخدمین و
... هر کدام قوطی رنگی بدست از این کلاس
به آن کلاس، از این دیوار به آن دیوار،
آزادین شعار به آن شعار در حال تردد بودند
و با گنجی خاصی مستاصل بودند. از اینکه
چکار باید بکنند. وقتی در مدرسه با زشد و
دانش آموزان به مدرسه وارد شدند تا همی
دیوارهای کلاسها، نیمکتها، تختها همه
و حتی آینه دستوشی‌ها را پر از شعبار
سازمان دیدند. خبر به سرعت پیچید. مدیر
دبیرستان دانش آموزان را در حیاط جمع
کرده به سخن برآکتی میگرداند. و پس از
صغری و کبری چندین می‌گوید "کسانی که
اینکارها را می‌کنند، از کسانی که سران
ما را (منظورش سپاهیان و ارتشیان ضد
خلق) در کردستان می‌کشند کمتر نیستند.
وای بروی که به آنها دسترسی پیدا کنیم"

این صحبتها دانش آموزان را خوشحال -
میکرد و آشکارا خوشحالی خود را بروز میدادند
دانش آموز می‌گفت "بابای او الله! اینها
دیگه چه عجبیه‌ها می‌هستند، تو بگو، زکدام
سواخ سنبه داخل شدند. یعنی از این
کنترل بیشتر هم مکان دارد، من که فکر
نمی‌کنم. دیگری می‌گفت مدیر و آقا "راست
نمی‌گویند. اینها از شما همان انقلابیونسی
هستند که جان برکف در کردستان با رژیم
می‌جنگند.

مدیر مدرسه پس از اتمام سخنان خود، به
مدت ۲ ساعت کلاسها را جهت پاک کردن شعار
- ها تعطیل کرد.
در مدرسه، راهمائی نیز وضع بهتر از
این نبود. مسئولان این مدرسه که زودتر
متوجه شده بودند سعی کردند تا با
دانش آموزان به مدرسه جلوگیری کنند.

نقیبه در صفحه ۱۹

کارگران و زحمتکشان... به خنایات
و بیاد دگرها و وحشیگریهای رژیم -
عزبان ترین شکل اعتراض نما شد. در هر
کجا هستند جناحیتهای رژیم را بر ملا زید.
پیروزی نهائی از آن توده‌هاست.
میان دو آب - ۶۰/۹/۲۶: تا کسیرانان شهر
به دلیل گران‌ترین دست از کار کشیدند
و مقابل فرماتداری دست به اعتصاب
زدند.

خروش

نشریه هواداران
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز

مطبوعات مزدور منطقه، در خدمت سیاست
- های ضد خلقی رژیم
به نقل از خروش شماره ۱۰ - نشریه هواداران
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز

رژیم جمهوری اسلامی که خود را در آستانه
سقوط می‌بیند و سیاستهای ضد خلقی، ارتجاعی
و وحشیانه‌اش وی را در میان مطبوعات
انقلابی، شیروهای مترقی و افکار عمومی
منزوی و رسوا ساخته است. سعی دارد با
مانورهای دیپلماتیک و تبلیغاتی در حینه
سیاست خارجی، سرپوشی بر روی خیانتها
و جناحیتهای خود در داخل بگذارد. نیرو -
های انقلابی در سطح جهان روز بروز به
ماهیت این مانورهای می‌برند و یاد دادن
تصویر دقیق تری از ماهیت رژیم جمهوری -
اسلامی تبلیغات ضد انقلابی وی را خنثی
می‌کنند.

رژیم‌های پوئالی برای اختفای -
سیاست‌های ضد خلقی خویش با اجیر کردن
برخی از روزنامه‌ها، مجلات و افراد سرسپرده
در دنیا سعی می‌کنند تبلیغاتی را به نفع
دیوارها مان بزنند. در رژیم منفور گذشته
نیز بسیاری از روزنامه‌های دست راستی
اروپا و آمریکا با دریافت میلیون‌ها -
تومان پول سخن از پیشرفت‌های ایران در
زمان شاه می‌زدند.

اخیراً "نیز رژیم جمهوری اسلامی به این
حربه قدیمی، از کار افتاده و رسوا روی آورده
است ولی حنا بیش دیگر رنگی ندارد. به
گفته کلیسایی مسئول تبلیغات اسلامی
خارج از کشور در شورای هماهنگی تبلیغات
"چهل میلیون تومان اختصاص دارد به
تبلیغات اسلامی خارج از کشور" (مجله -
پیمان انقلاب شماره ۴۴، ارگان سپاه -
پاسداران سرمایه).

همچنین شاه‌چراغی نماینده مجلس -
فرمانی "شورای اسلامی" که به تازه‌گسی
از سفر هندوستان با زگشته است توضیح
میدهد:

"ما از روزنامه‌های کثیرالانتشار آنجا
میتوانیم بهره ببریم و همچنین از مجلات
کثیرالانتشار، ما میتوانیم خودمان -
روزنامه‌های بسیار زیادی داشته‌باشیم.
دانشمندانی در هندوستان هستند که
می‌گفتند: ما بودجه نداریم، ما حاضریم
بنا خودمان مسائل انقلابی ایران را
 مطرح کنیم و بسیار آسان، ولی بودجه
لزام داریم (مجله "پیمان انقلاب" شماره ۴۴)
اعترافات این مبلغان مزدور بخوبی

گرامی یاد خاطره فدائی شهید

رفیق مهدی خانواده

* توضیح : از آنجا که بیوگرافی رفیق مندرج در کار ۱۴۰ بطور کامل پرونده میزبانی رفیق را نمیکند نمیگردم - مجدداً بیوگرافی کامل رفیق را بجا میبرسانیم .

رفیق مهدی در سال ۱۳۲۲ در یک خانواده متولد شد. تحصیلات ابتدائی دوره اول متوسطه را در زاهدان گذرانید و سپس به تهران رفت. در تهران وی به همراه فدائی شهید مادیق نظیری، با دانشجویان انقلابی آشنا گشت و از طریق شرکت در جلسات آنان، در فعالیت های تیر علیه رژیم شاه شرکت نمود و دستگیر شد. ابتدا در زندان مارکسیسم - لنینیسم آشنا گشت .

پس از اتمام تحصیلات متوسطه، به دانشگاه بلوچستان راه یافت و از همسایگان ابتدای ورود فعالیت های انقلابی خود را در دانشگاه و در کنار سایر رفقاء آغاز نمود و اولین شکل های دانشجویی را پدید آورد. از این رو تمام دانشجویان و دیگر کسانی که در چند سال اخیر در بلوچستان و بلوچستان به فعالیت های سیاسی - انقلابی روی آورند، فعالیت های خستگی ناپذیر و چهره مضموم وی را بخوبی بخاطر دارند.

رفیق مهدی در یورش ارتجاع به دانشگاه دستگیر و شدت زخمی شد. اما



توانست که از جنگ مزدوران جمهوری اسلامی بگریزد. در مقطع انشعاب فعالانه از کمی انقلابی سازمان در برابر - ایورتونیسیم به دفاع برخاست و به کار خود در تشکیلات با مثنی استار، هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران در سیستان و بلوچستان ادامه داد. یکبار در زمستان ۱۳۵۹ توسط پاسداران به همراه تمام اعضای خانواده اش دستگیر شد و بعد از چهار روز در زندان ماند اما با هشیاری از زندان خلاصی یافت. پس از آن برای آنکه بتواند راه فرار را از طریق انزلی بیشتری به کار انقلابی ببرد از به تهران رفته و در تشکیلات تهران سازمان مشغول به کار گردید. هم- زمان با یورش گسترده ارتجاع به مردم و سازمانهای انقلابی، رفیق مهدی بر اثر یک اشتباه دستگیر شد و پس از دو ماه بدون آنکه خانواده اش توانسته باشند کویکتترین خبری از وی بدست آورند، در تاریخ ۱۹ - مهرماه ۱۳۶۰ در اوین در مقابل جوخه اعدام قرار گرفت و شهادت رسید.

یادش گرامی باد

گرامی یاد خاطره فدائی شهید

رفیق ابراهیم شریفی

فداکاری، ایثار و از جان گذشتگی اش برای رفقای که از نزدیک می شناختندش وصف ناشدنی است .

رفیق علیرغم کمی سن با توجه به اوصاف عیدیه اش بعنوان مسئول یکی از بخشهای تشکیلات و نیز عضو کمیته سیاسی تشکیلات هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران به بهترین شکل انجام وظایف انقلابی خویش مشغول بود. رفیق پس از دستگیری و بعد از قرار دادن یکی از رفقا از زندان یوشیرو نیوز دفاع ایستادگی و تحمل شکنجه های و خشنا ته مزدوران رژیم به مدت حدود بیجا ه روز در بگاه ۱۳ آنان در حالیکه بزنگان از - معالجه وی تا امید گردیده بود، ندید و سلسله شلیک گلوله یکی از جلادان زندان یوشیرو با ردیگر آرمین زحمتکشان را با خون خویش سرخی تازه ای بخشید. شدت شکنجه ها آنچنان بود که به گواهی زندانیان چهره وی به هیچوجه شناخته نمی شده و در این گونه مواقع رفیق لبخند زدن خود را معرفی میکرده است. رفیق همواره آرزو میکرد که بر - استخوانهایش مردمانی آزاده و سعادتمند و بهروزگام برآوردند. این آرزو، مینای تمام می فرزندان راستین خلق است که می از مبارزه بر علیه امپریالیسم و وابستگی با خلیف دست بر نمی دارند .

وصیت نامه رفیق

" بدر عزیز ما در مهربانم سلام، در آخرین لحظات زندگی خویش با شما سخن میگویم و لحظاتی دیگر به خواسته اعدا میروم. از اینکه آفتاب عمرم در نیمروز غروب میکند، هیچ نا راحت نیستم. چرا که با افتخار زندگی کردن بهتارا با تنگ زندگی کردن است. حتی اگر آن زندگی طولانی باشد، بهر حال از اینکه نتوانستم برای آن فرزندانم با شما متناسفم. آرمین من همانا آرمین مردم بود و شما روزی آنرا خواهید فهمید. تمام می خانواده و همسایگانم خیم که در این مدت برایم زحمت کشیدند و حداقل از دستگیری من یا راحت شدیدی بسیار گزارد و ولی از گناهی که با تنگ زندگی کردن را ترحیم میدهند بر افتخار ایستادن

بسیار متشکرم. خیلی راحت میتوانستم با یک مصاحبه تلویزیونی و کارهای دیگر جان خویش را نجات بخش ولی تنگبین زیستن از زانی خائنین و سازشکاران نباید. دست تمام می دوستانم و یارانم را صمیمانه میفشارم و آرزوی خوشبختی برای شما می کنم. از تمام رفقا و دوستانم میخوام که راه مرا که همواره مردم بود برای توده ها توضیح دهند تا بداند که لیاقت رفتن در راه توده ها را داشته باشم .
فرزند شما ابراهیم شریفی
۶۰/۸/۱۰
یادش گرامی و راهش پررهرو باد
به نقل از خروش شماره ۱۱ =

گذاشتند. این حرکتها همزمان شد با بخش اعلامیه و چنانچه تراکت های فراوانی در سطح شهر از جانب سایر رفقا باعث شد که در سطح کل شهر جنب و جوش بسیجی ها و مزدوران رژیم جمع آوری و پاره - کردن اعلامیه و تراکتها کاملاً به چشم میخورد. آنها ضمناً سعی میکردند، جلوی هرگونه بحثی را بگیرند.

چشم خود ببینند چگونه بیماریهای مری و فلج شدن، جان نوزادان در بند را بطرف انداخته و اکثر " نیز مبتلایه مرا می گشته و در خطر مرگ قرار گرفته اند .

هموطنان مبارز و شرافتمند! از شما میخواهم مسئولان و دست اندرکاران جمهوری اسلامی شما کنید :
آیا نوزادان ۳-۲ ماهه در زندانهای - (تبریز) شما وجود دارند یا نه؟
آیا بیماری در زندانهای (تبریز) - شیوع پیدا کرده یا نه؟
و دهها آبی دیگر

با این حال بگذارید نعره سردهند، " در زندانهای جمهوری اسلامی هرگونه اصول و اخلاق اسلامی رعایت نمیشود و با " اصلاً فردی گناهی در زندانهای ما وجود ندارد! " آقای خمینی نیز بگوید " شکنجه شاه معصود انقلاب است ". آقای خمینی توهماً اطلاع داری، حتی نوزادان ۳-۲ ماهه را نیز در زندان سیر کرده اند. در خانه به آن کسانی که از همه جنایات رژیم اطلاع دارند و بهر عنوان سکوت را بخاطر الوصفتان پیشه کرده اند، میگوئیم شما در هلند و مسلمانان که با شمشیر جرم جنایات رژیم جمهوری اسلامی بوده و هستید .

نیز حضور داشت چند دانش آموز که او را می شناختند پیش او رفته و سؤال کردند " معنی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان ... چیست " او جواب داد " هیچی، شماری بوج است و سعی میگردم خشم و انتهاب خود را پنهان دارد. آری رفقای رزمنده " ما در خفقان آمیزترین شرایط رژیم و تمام می نوکران آنرا انگشت به دهان -

نامه گروهی از خانواده های ..

بقیه از صفحه ۱

آری هموطنان، مدت ها است خطه آذربایجان نیز همچون سایر مناطق ایران مورد هجوم ددمنشانه رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته، روزی نیست که بدستور آقای خمینی و موسوی جلال، شنی چند از بهترین فرزندان دلیز خلق به جوخه اعدا سپرده نگردند . - حتی از زندانی کردن زنان تازه زایمان یافته، نوزادان ۳-۲ ماهه زنان حامله، نیز با شنی بخود راه نمی دهند .

خلق شرافتمند آذربایجان!
خطر مرگ جان نوزادان معصوم ۳-۲ ماهه را در زندانهای جمهوری اسلامی (تبریز) تهدید مینمایند. بنا به حکم شرافت انسانی صدای اعتراضی خود را رسا تر نمائید. به خاطر جنایات جان تمامی زندانیان سیاسی بویژه نوزادان معصوم و بی گناه، صدای حق طلبانه خود را بگوش مردم آگاه جهان و سازمانهای بین المللی میبرسانیم. از آنها بخواهیم تا از زندانهای قرون وسطائی جمهوری اسلامی باز دید کنند و بنا

اخبار شهرستانها

بقیه از صفحه ۱۷
اما موفق نشدند و حتی نتوانستند از ورود سرکشی دانش آموزان به کلاسها جلوگیری نمایند. دانش آموزان از هر طرف هجوم می آوردند و سعی میکردند شما را " بخوابانند، یکی از هواداران " اکثریت "

تورن، شکنجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان

★ گرامی یاد خاطره

فدائی شهید رفیق فریبا شفیعی

فریبا شفیعی کیلاکجانی در سال ۱۳۴۲ در ارس در خانواده ای کارگری بدنیا آمد. وی از همان اوان کودکی در بین خلقش زندگی کرده بود و به دردهای مردمش آشنا شده بود. او برای خانواده اش مظهری بنابر وفاداری بود. وی فعالیت انقلابی خود را از زمانی که هنوز خیلی نوجوان بود، یعنی از سال اول راهنمایی در مدرسه راهنمایی هخامنش شروع کرد. فریبا بیگ انقلاب را بین بچه ها پخش میکرد، و با راهزنی و اربابان مدرسه تهدیدیه به اخراج شد. و زمانی که شعله های انقلاب فروران شد فریبا جزو بچه های بود که بی شور و عوق فراوان در تظاهرات ضد شاه شرکت میکرد و بعد از آنکه عقابش قوام پیدا کرد در صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مبارزه خود بر ضد امپریالیسم و پانگامه داخلی ارتجاع داخلی گذشت و به شهادت رسید. زمانی که در سازمان اشعاب شد حرف فریبا این بود که: افسوس که کمی دیر شده است و اپورتونیستها ضربه ای بس مهلک به جنبش ایران وارد کردند و ولی ما هم از هروقت از آب بگیری تازه است. و بایستی این سازمان را و این خیانتکاران را از صفوفمان طرد می کردیم چون لازمه مبارزه بر ضد سرمایه داری استحکام درون خلق است. فریبا در روز ۲۲ شهریور ۱۳۶۰ در کلاس مبارزه بر می گشت حوالی خیابان مصدق دستگیر شد و خیرا اعدای در روز دوشنبه ۱۳ مهر در روزی نامه های رژیم چاپ شد و دژ خیمان گفتند که رفیق را در میدان و فوریه با دو نارنجک گرفته اند که در حال پرتاب بوده. ما در فریبا برای جستجوی فرزندش به کمیته ها و زندان اوین میروید به وی میگویند بر روز ۱۳ مهریبا یعنی روز اعدام فریبا.

زمانی که ما در فریبا برای شناسایی حصد گرفته بود، دژ خیمان تمام بدن فریبا را به وی نشان نداده بودند، فقط صورت او را به ما درش نشان دادند. ما در فریبا می گفتیم که: حصد فرزندم بود گرفته بود و این نشان دهنده آنست که خیلی زود تر از آنکه خیرا اعدا مپخش شودی را اعدام کرده - بودند. و به شهادت رسانند. جنایتکاران حتی اجازه دفن به خانواده شهید نیز ندادند و زندان به پیکر رفیق تهران را بخاک سپردند. پنهان کردن جسد فریبا نشان دهنده وحشت رژیم از عکس العمل مردم در برابر بدن شکنجه شده رفیق مبارزان است. یادش گرامی و راهش پر هروباد

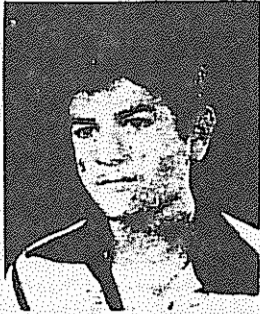
★ گرامی یاد خاطره

فدائی شهید

رفیق مهدی خانزاده

صفحه ۱۹

★ گرامی یاد خاطره فدائی شهید رفیق رحمت طالب نژاد



رفیق رحمت در سال ۱۳۴۲ در سنگ خا نواده کارگری در منطقه کونی باقی قائم شهر متولد گشت. رفیق به علت فقر اقتصادی از بدو زندگی ستم استثمار - گران راه عین لهس می نمود. و از این رو بود که از همان زمان کودکی نسبت به سرمایه داران کینه ای عمیق در وجودش - شعله ور گشت تا اینکه رفیق کم کم با آثار صمدیهرنگی آشنا گشت. بدین طریق بود که رفیق بی برد بجز از طریق یک مبارزه سخت طبقاتی امکان زهائی از ستم استثمارگران میسر نیست. رفیق در عرصه قیام کم و بیش با نظرات سازمان آشنا گشت و فعلا لانه در مبارزات توده های رحمتگن در استان قیام خلق شرکت نمود. بعد از قیام بعنوان دانش آموز پیشگام - فعالیت انقلابی خود ادامه داد. در این مدت نیز یکبار توسط مزدوران رژیم دستگیر و زندانی گشت پس از آزادی دوباره به فعالیت انقلابی خود ادامه داد. در مقطع اشعاب رفیق همگام با جناح انقلابی سازمان سرسخت و فعالانسه به افشای مواضع سازشکارانه خائنین - اکثریت کمیته مرکزی پرداخت. رفیق می گفت اینان (اکثریتی ها) دشمنان پنهان طبقه کارگرند و از این رو خطرناکتر از بورژوازی می باشند. رفیق با پشتکاری انقلابی و عزمی راسخ راه سرخ فدائیان را می پیچید و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی نمود. تا اینکه بوسیله جلادان رژیم خمینی در نیمه دوم شهریور ماه ۶۰ رفیق دستگیر و پس از تحمل شکنجه های وحشیانه، به همراه ۴ تن از انقلابیون - مجاهدان تاریخ ۶۰/۹/۴ بدست دژ خیمان خمینی جلا، به جوخه های اعدام سپرده شد. یادش گرامی و راهش پر خروش

قطعه شعری که توسط یکی از رفقای همزم رفیق رحمت سروده شده:

در سینه سرخ تو
آتش بود انفجار
در موج موح نگاه تو بیروزی خلق
و سازمان
استقلال - کار - مسکن - آزادی
ای بخون تبیده از گلوله های خصم
ای خاطرات شعرا و کوجه های شهر
بگو بیام خویش را
به عیان منتظر برای "کار"
شاگرد خوب "حق بیان"
رفیق شور مدرسه
رفیق تنگدستی و کار
رفیق رزم سازمان
رفیق رنج کارگر
بگو بیام خویش را
در آستانه اعتراض
انقلاب
.....
رفیقان مرگ تو را ورنه نمی کنند
چرا که دشمن
به مرگ تو باور نکرده است
مرگ تو صفوی خصم را
از هم شکافت
و دیدند همسنگران تو
تفا دشمن خلق را
با شهادت ای رفیق

★ گرامی یاد خاطره فدائی شهید رفیق ابراهیم شریفی



خاکستر تو را با دسحر کهان هرجا که برسد، مردی ز خاک روئید!

فدائی خلق رفیق شهید ابراهیم شریفی در سال ۱۳۴۱ در یوشهر در خانواده خانوایی زحمتکش بدنیا آمد و با تائیر از قزوین زندگی فلاکتناهمشهریان زحمتکش و مبارزش - تجربه مبارزاتی اندوخت و از سال ۱۳۵۷ همراه با اوج گیری قیام دلیرانه مردم و وطنمان، دقتی توین در مبارزات و تجربیات خویش با ز نمود و درستگرا زمان چریکهای فدائی خلق ایران وظایف انقلابی خویش را مستحکم تر و پیرا تر آغاز نمود. آنان که رفیق را از نزدیک - می شناسند بخوبی آگاهند که وی حتی لحظه ای از کار و فعالیت بیرون وظایف خطیر سازمان غافل نبود و با راه اتفاق یافتند که از شدت خستگی ناشی از تلاش شبانه روزی اش در مواقع بحث و صحبت - پیرا مون پیسردگار تشکیلات، به خواب میرفت. رفیق آنچنان زندگی ساده و بی آلاش داشت که همواره بعنوان سمبلی مضمم فراراه دیگر رفقا تلقی میگردید.

رفیق به نسبت عمر کوتاه خویش چنانست
برایا مکانات زمانی که در اختیار داشت
مطالعه و تجربه اندوخته بود. روحیه -
بقیه در صفحه ۱۹

زندانی سیاسی آزاد باید گردد / ترور، شکنجه زندان نابود باید گردد